

AMIC

ارزیابی عملکرد اقتصادی

دولت نهم

در سال ۱۳۸۵

علی مزروعی

کارشناس مسائل اقتصادی و اجتماعی

مقدمه

تحلیل عملکرد اقتصادی کشور باعث می‌شود که از یک سو نقاط قوت و ضعف اقتصاد کشور شناخته شده و در جریان تصمیم‌گیری‌ها و تدوین هر نوع سیاست اصلاحی در این عرصه فضای بیشتری فراهم شود، و از سوی دیگر اثرات شرایط محیطی و محدودیت‌های خارج از کنترل دولت مشخص‌تر شده و در نتیجه امکان استفاده‌ی بیشتر از این شرایط و محدودیت‌ها فراهم آید. با این رویکرد، بررسی و تحلیل عملکرد اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۵ و ارایه‌ی اطلاعات آماری می‌تواند بعنوان ابزار مناسبی در تبیین روندهای موجود و پیش‌بینی روندهای آینده‌ی اقتصاد کشور به کار آید و زمینه‌ی سیاست‌گذاری موثر و مناسب توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را فراهم کند. سیاست‌های اقتصادی جاری در سال ۱۳۸۵ باید بر پایه‌ی «قانون برنامه‌ی چهارم توسعه» و در هم‌جهتی با اسناد بالادستی تدوین این قانون یعنی «سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۲۰ ساله‌ی کشور» و «سیاست‌های کلی برنامه» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام به اجرا در می‌آید، اما غلبه‌ی نگرش‌های جدید نسبت به مسایل اقتصادی و اجتماعی در مجلس هفتم از سال ۱۳۸۳ و استقرار کامل دولت نهم از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ به ریاست آقای احمدی‌نژاد در همسویی با این نگرش‌ها و اتخاذ رویکردهای تازه در عرصه‌ی سیاست خارجی و داخلی بویژه مدیریت پرونده‌ی هسته‌ای ایران ذیل عنوان «سیاست تهاجمی» و طلبکارانه بشدت شرایط اقتصادی کشور را در ماه‌های پایانی سال

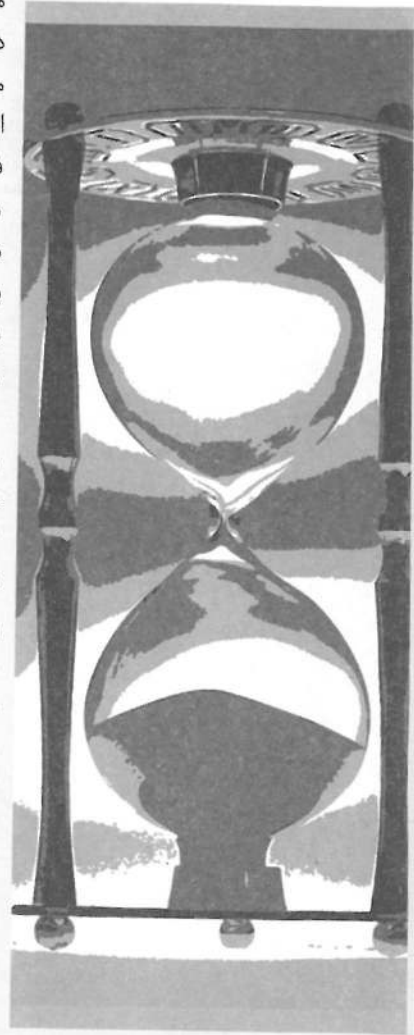
اعظم (ص)
پایبزم

فصل
تحلیل عملکرد اقتصادی

مطالعه‌ی عملکرد اقتصادی
دولت نهم

PERSIAN GULF

برآورد مقدماتی حساب‌های ملی حاکی از رشد ۵/۳ درصدی این شاخص در نه ماهه اول سال ۱۳۸۵ است؛ هر چند رشد این شاخص عمدتاً به واسطه‌ی افزایش قیمت و درآمد نفت و گاز حاصل شده است، ولی در مقایسه با رشد ۴/۵ درصدی سال ۱۳۸۴ کاهش ۰/۱ واحد را نشان می‌دهد



بیمه

سال ۱۳۸۴ و سال ۱۳۸۵ تحت تأثیر قرارداد و در اجرا به فاصله‌گیری بیشتر دولت نهم از اجرای کامل قانون برنامه‌ی چهارم توسعه در این سال انجامید. ارایه‌ی چهار لایحه متمم و یک اصلاحیه بودجه در سال ۱۳۸۵ و برداشت ۶۹۸۸ میلیون دلار از «حساب ذخیره‌ی ارزی» برای تامین کسری بودجه‌ی دولت که همانند سال ۱۳۸۴ برای برداشت ۹۸۱۵ میلیون دلار از این حساب با تصویب مجلس هفتم همراه بود، دلیل آشکاری بر این موضوع است و متأسفانه وقوع این رخداد را با هر دلیل و توجیهی نمی‌توان اقدام درستی در پای‌بندی به برنامه‌ای عمل کردن در اصلاح ساختار اقتصاد کشور و در ادامه‌ی روند اصلاحی گذشته قلمداد کرد. در مجموع از آنجا که عملکرد اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۵ بطور کامل به عملکرد دولت دکتر احمدی‌نژاد و مجلس هفتم همفکر و همسو ارتباط می‌یابد در هر گونه ارزیابی و داوری نسبت به وضعیت موجود باید جناح حاکم را مسؤول و شریک دانست و آثار و پیامدهای ناشی از اجرای سیاست‌های جدید را که به تدریج در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور ظاهر شده و می‌شود، متوجه حاکمیت این جناح در دولت و مجلس و سایر نهادها دانست و البته در گذر زمان و با ظهور نتایج بیشتر سیاست‌های در پیش گرفته شده بهتر می‌توان به ارزیابی عملکرد اقتصادی کشور و این جناح در اداره‌ی امور پرداخت.

در سال ۱۳۸۵ روند افزایش قیمت نفت ادامه یافت و با وجود اتخاذ سیاست‌های جدید توسط دولت نهم در عرصه‌ی داخلی و خارجی و تشدید تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین پاره‌ای از محدودیت‌های داخلی ناشی از چالش‌های سیاسی و مشکلات نهادی و ساختاری واحدهای تولیدی و خدماتی، اقتصاد ایران با بهره‌گیری از درآمد بالای نفت توانست با نرخ رشدی مثبت این سال را (همانند سال ۱۳۸۴) پشت سر گذارد، سالی که درآمد نفت و گاز به رقمی افسانه‌ای در تاریخ معاصر اقتصادی ایران (حدود ۶۲ میلیارد دلار) رسید.

با توجه به این مقدمه و با در نظر گرفتن مجموعه شرایط محیطی و داخلی که کشور با آن مواجه بوده است، در ادامه تلاش خواهد شد به ارایه‌ی تصویری از عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۵ با تکیه بر شاخص‌های کلان اقتصادی و ارزیابی آن بپردازم. طبعاً ارزیابی واقع‌بینانه، علمی و کارشناسانه‌ی عملکرد

اقتصادی کشور در هر سال می‌تواند مبنای مناسبی برای ارزیابی عملکرد هر دولت در انطباق با شعارها، برنامه و پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندان و همچنین چگونگی اجرای قوانین مرتبط باشد و بویژه از این منظر می‌توان عملکرد دولت نهم و مجلس هفتم (جناح حاکم) را در دستیابی به اهداف کمی پیش‌بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و شعارها و وعده‌های داده شده توسط اینان به شهروندان مورد نقد و ارزیابی قرار داد.

۱. تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت

این شاخص نشان‌دهنده‌ی نتیجه‌ی کلی عملکرد اقتصادی کشور طی یک سال است. برآورد مقدماتی حساب‌های ملی حاکی از رشد ۵/۳ درصدی این شاخص در نه ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۵ است. هر چند رشد این شاخص عمدتاً به واسطه‌ی افزایش قیمت و درآمد نفت و گاز حاصل شده است، ولی در مقایسه با رشد ۵/۴ درصدی سال ۱۳۸۴ کاهش ۰/۱ واحد را نشان می‌دهد و در مقایسه با متوسط عملکرد اجرای قانون برنامه‌ی سوم توسعه به میزان نرخ رشد ۵/۵۵ درصد (متوسط سالانه طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۹) کاهش ۰/۲۵ واحد را به نمایش می‌گذارد و این که اقتصاد ایران به رغم برخورداری از درآمد بالای نفت در این سال نتوانسته است گام بلندتری را در مسیر رشد و توسعه بردارد.

بر پایه‌ی گزارش بانک مرکزی در این سال ارزش افزوده‌ی گروه نفت و گاز با افزایش نرخ رشد نسبت به سال ۱۳۸۴ روبرو و از رشدی بالغ بر ۲/۳ درصد برخوردار شد. این رقم در مقایسه با نرخ رشد ۰/۶ درصدی ارزش افزوده‌ی این گروه در سال ۱۳۸۴، ۱/۷ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. بخش کشاورزی در شرایط نسبتاً مشابه جوی نسبت به سال ۱۳۸۴ به نرخ رشد ۷ درصدی (۰/۱ واحد کاهش نسبت به سال ۸۴) دست یافت. در مورد گروه صنایع و معادن، که مهمترین نقش را باید در عرصه‌ی توسعه‌ی صنعتی کشور و ایجاد ارزش افزوده ایفا کند، تاکنون نرخ رشدی اعلام نشده است و ظاهراً بر سر محاسبه‌ی نرخ رشد این گروه و سهم آن در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بین بانک مرکزی و وزارت صنایع و معادن در درون دولت نهم اختلاف نظر وجود دارد و کمیته‌ای مسؤول محاسبه و اعلام نرخ رشد این بخش در سال ۱۳۸۵ شده است و البته رخداد این موضوع خود پدیده‌ی بی‌سابقه و قابل توجهی در

گروه خدمات که بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی را در این سال به خود اختصاص داده است، همچون سال ۱۳۸۴ رشد ملایمی را پشت سر گذاشت بنحوی که نرخ رشد این گروه در سال ۱۳۸۵ به ۶/۳ درصد (۰/۷) واحد افزایش نسبت به سال ۱۳۸۴ رسید

در واقع باید عملکرد اقتصاد ایران را در دستیابی به نرخ رشد هدف‌گذاری شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه در سال اول و دوم اجرا، ناموفق ارزیابی کرد و آن را با فاصله‌گیری از پای‌بندی به اجرای تام و تمام این قانون توسط دولت نهم ارتباط داد. بدیهی است ادامه‌ی این وضعیت روند، دستیابی به نرخ رشد متوسط سالانه‌ی اقتصادی ۸ درصد پیش‌بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه را ممتنع می‌کند. باتوجه به این که شاخص تولید ناخالص داخلی ارتباط مستقیم با میزان درآمد ارزی کشور، جریان تشکیل سرمایه، بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، بودجه‌ی دولت، میزان واردات، جمعیت و... دارد، در مقام ارزیابی عملکرد، به خصوص در مقام مقایسه با عملکرد اقتصادی دولت‌های گذشته، باید مجموعه‌ی این عوامل را با هم دید و داوری کرد. به عبارت دیگر عملکرد اقتصاد کشور و دولت ارتباط وثیقی با میزان منابع و امکاناتی که در آن به کار گرفته می‌شود، دارد و به خصوص در اقتصاد ایران، شاخص تولید ناخالص داخلی بعنوان یک متغیر، شدیداً به میزان درآمد ارزی کشور، واردات و بودجه‌ی دولت بستگی دارد. جدول ۱ تصویری از شاخص‌های کلان اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ (به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹) را نشان می‌دهد.

عملکرد دولت نهم در پیوند با موضوع حساب‌های ملی و مسؤولیت بانک مرکزی در این باره به شمار می‌رود، و جالب اینکه مسؤولان این بانک نیز به چنین رخدادی تمکین نموده‌اند و بر خلاف سنت گذشته از انتشار نماگرهای اقتصادی سه ماهه‌ی چهارم سال ۱۳۸۵ و گزارش حساب‌های ملی این سال تاکنون خودداری کرده‌اند، و البته تغییر رئیس کل بانک مرکزی در این شرایط جای بسی تأمل و توجه دارد! گروه خدمات که بیشترین سهم از تولید ناخالص داخلی را در این سال به خود اختصاص داده است، همچون سال ۱۳۸۴ رشد ملایمی را پشت سر گذاشت بنحوی که نرخ رشد این گروه در سال ۱۳۸۵ به ۶/۳ درصد (۰/۷) واحد افزایش نسبت به سال ۱۳۸۴ رسید. لازم به یادآوری است در بخش اهداف کمی قانون برنامه‌ی چهارم توسعه، دستیابی به نرخ رشد اقتصادی متوسط سالانه ۸ درصد برای سال‌های اجرای این برنامه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) پیش‌بینی شده است که در سال دوم اجرای این برنامه باید شاهد تحقق نرخ رشد اقتصادی ۷/۴ درصدی در کشور می‌بودیم، اما نرخ رشد ۵/۳ درصدی حاصله حکایت از فاصله‌ی معنادار با نرخ رشد پیش‌بینی شده، با وجود بهره‌مندی فراتر از پیش‌بینی برنامه در استفاده از درآمد نفت دارد و

جدول ۱: شاخص‌های کلان اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۷۶ به قیمت ثابت ۱۳۶۹

شاخص	سال	واحد	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
تولید ناخالص داخلی	میلیاردریال	۴۸۰۵۳	۲۹۷۶۸	۵۰۵۹۸	۵۳۱۷۷	۵۳۹۳۱	۵۸۹۹۷	۶۱۹۲۹	۶۲۹۷۱	۶۵۹۷۱	۶۸۵۳۲	۷۳۲۱۷
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	درصد	۴/۳	۶/۳	۷/۱	۱/۵	۲/۴	۴/۷	۷/۶	۸/۳	۴/۲	۲/۵	۳/۵
جمعیت	میلیون نفر	۶۱	۹/۵۶	۸/۶۲	۹/۶۳	۹/۶۲	۶۶	۱/۶۲	۱/۶۲	۱/۶۸	۱/۶۹	۴/۷۰
تولید سرانه	هزار ریال	۷۸۸	۸۰۴	۸۰۵	۸۲۲	۸۵۰	۸۹۴	۹۲۸	۹۶۹	۹۶۹	۱۰۰۶	۱۰۰۰
درآمد ملی	میلیاردریال	۴۳۱۱۱	۴۳۳۵۶	۴۳۳۵۶	۴۳۳۵۶	۴۳۳۵۶	۴۳۳۵۶	۴۳۳۵۶	۴۳۳۵۶	۴۳۳۵۶	-	-
درآمد سرانه	هزار ریال	۶۹۰	۶۶۴	۶۹۰	۷۱۷	۷۲۲	۷۹۰	۸۲۸	۸۶۶	۸۶۶	-	-
سرمایه گذاری ناخالص داخلی	میلیاردریال	۱۱۵۹۱	۱۱۹۲۷	۱۲۶۲۱	۱۳۱۸۳	۱۳۴۸۶	۱۴۲۰۰	۱۴۳۴۴	۱۴۳۴۴	۱۴۳۴۴	۱۴۳۴۴	۱۴۳۴۴
نسبت سرمایه گذاری به تولید	درصد	۱/۲۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲/۴
درآمد ارزی نفت و گاز	میلیون دلار	۱۵۴۷۱	۹۹۲۲	۱۷۰۸۹	۲۲۲۸۰	۱۹۲۲۴	۲۲۸۰۷	۲۲۸۰۷	۲۲۸۰۷	۲۲۸۰۷	۲۲۸۰۷	۲۲۸۰۷
درآمد ارزی صادرات غیر نفتی	میلیون دلار	۳۱۷۵	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱	۳۶۴۱
کل درآمد ارزی حاصل از صادرات	میلیون دلار	۱۸۳۸۱	۱۳۱۱۸	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰	۲۱۰۳۰
ارزش کل واردات	میلیون دلار	۱۴۱۳۳	۱۴۲۸۶	۱۳۳۳۳	۱۵۰۸۶	۱۸۱۲۹	۲۳۷۸۶	۲۳۷۸۶	۲۳۷۸۶	۲۳۷۸۶	۲۳۷۸۶	۲۳۷۸۶
نرخ رشد نقدینگی	درصد	۲/۱۵	۴/۱۹	۱/۲۰	۳/۲۹	۸/۲۸	۱/۲۰	۱/۲۰	۱/۲۰	۱/۲۰	۲/۱۴	۴/۲۹
شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	۱۰۰=۱۳۷۶	۱۰۰	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸	۸/۱۱۸
نرخ تورم	درصد	۲/۱۷	۱/۱۸	۱/۲۰	۶/۱۲	۲/۱۱	۸/۱۵	۶/۱۵	۶/۱۵	۶/۱۵	۶/۱۵	۶/۱۳
ضرب جینی	-	۲۰۳۰	۳۱۷۰	۳۰۷۰	۳۹۵۰	۳۹۵۰	۳۹۵۰	۳۹۵۰	۳۹۵۰	۳۹۵۰	۳۹۵۰	۳۹۵۰

به نقل از بانک مرکزی * ارقام نهایی توسط بانک مرکزی اعلام نشده است. ** برگرفته از گزارش شاخص‌های توزیع درآمد مناطق شهری ایران - گزارش بانک مرکزی



رقم شاخص تشکیل سرمایه
در سال ۱۳۸۵
حدود ۲۹ درصد و
مشابه سال ۱۳۸۴ است
و طرفه اینکه علیرغم
مدعای دولت نهم در
افزایش چشمگیر بودجه
عمرانی با برداشت از حساب
ذخیره ارزی این رقم نسبت
به رقم سال های ۱۳۸۱ به
این طرف تفاوت معناداری را
به نمایش نمی گذارد

۲. تشکیل سرمایه

نسبت سرمایه گذاری به تولید (به قیمت ثابت)، شاخص جریان تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی هر کشور را نشان می دهد. این شاخص از اهمیت بسزایی در روند رشد و توسعه ی یک کشور برخوردار است. لازم به ذکر است که در ادبیات اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه، دستیابی به رقم حداقل ۲۵ درصد برای این شاخص را ضروری می دانند و البته برای کشوری با شرایط ایران که دست به گریبان مشکلاتی همچون نرخ بیکاری و تورم دورقمی و فقر چشم گیر دو دهک جمعیتی است، دستیابی به رقم ۴۰ درصد الزام آور می نماید. رقم این شاخص در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۹ درصد و مشابه سال ۱۳۸۴ است و طرفه اینکه علیرغم مدعای دولت نهم در افزایش چشمگیر بودجه عمرانی با برداشت از حساب ذخیره ارزی این رقم نسبت به رقم سال های ۱۳۸۱ به این طرف تفاوت معناداری را به نمایش نمی گذارد ضمن آن که تفاوت معناداری را هم با رقم ۴۰ درصد نشان می دهد.

نکته ی مهمی که در پیوند با این شاخص باید به آن توجه داشت اینکه در جامعه ی ما درصد بسیار کمی از شهروندان درآمد خود را پس انداز کرده و به سرمایه گذاری اختصاص می دهند، ضمن اینکه فضای کلی کسب و کار و ساز و کارهای مناسب هم برای جلب و جذب عامه مردم و پس اندازهای آنان به سوی بازار سرمایه وجود ندارد. در نتیجه جریان انباشت سرمایه به کندی صورت می گیرد و در واقع در کشور ما سیاست های «توزیع و مصرف درآمد» بر سیاست های «تولید ثروت» کاملاً غلبه دارد، به گونه ای که در استفاده از منابع و ثروت متعلق به آیندگان (منابع و ذخایر بین نسلی مثل نفت و گاز) نیز گشاده دستی شده، بدون آنکه برای نسل های بعدی ذخیره و سرمایه گذاری شود. حال اگر در نظر آوریم که عمر سرمایه گذاری های گذشته نیز، به خصوص در بخش صنایع، در حال استهلاک و رو به پایان است و جایگزینی لازم هم برای جبران استهلاک سرمایه به خوبی انجام نگرفته است به عمق مشکل پی خواهیم برد. طبیعی است که ادامه ی این روند نه تنها به نفع اقتصاد ملی نیست، بلکه موجبات عقب افتادگی بیشتر کشور را فراهم می سازد. از این رو ضرورت توجه هر چه بیشتر به پس انداز و سرمایه گذاری در اقتصاد ملی و ایجاد بسترهای مناسب حقوقی و نهادی اجتناب ناپذیر می نماید و بهبود شرایط مساعد داخلی و محیطی برای تشویق به پس انداز و

سرمایه گذاری و همچنین جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی باید بیش از پیش در دستور کار اداره ی کشور قرار گیرد. متأسفانه سیاست های متخذه توسط دولت نهم در سال ۱۳۸۵ نسبت به نرخ سود بانکی و نحوه ی برخورد با بازار سرمایه ی کشور (بطور بارز بازار بورس) نه تنها جاذبه ی چندانی برای ورود به این عرصه ایجاد نکرده، بلکه موجبات دوری شهروندان را از پس انداز و سرمایه گذاری در بازار رسمی دامن زده است. نکته ی مهم و قابل توجه آن که تحولات حادث به جریان خروج سرمایه از کشور از سال ۱۳۸۴ دامن زده است و هر چند رقم دقیق آن معلوم نیست، اما آثار و پیامدهای منفی آن را به خوبی می توان در جریان تشکیل سرمایه و شاخص های کلان اقتصادی کشور مشاهده کرد. جریان ورود سرمایه به کشور که در سال های آخر دولت خاتمی رو به افزایش بود، نیز کند شده و از حدود سه میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ به حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ (بر پایه سخن وزیر امور اقتصادی و دارایی) تنزل یافته و طبعاً این رخداد را باید در پیوند با اداره ی اقتصاد ایران منفی ارزیابی کرد و البته علل وقوع چنین رخدادی را باید در مجموعه ی سیاست ها و اقداماتی که جناح حاکم بر مجلس هفتم و دولت نهم پی گرفته اند جست و جو کرد.

از منظر ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۵ در مقایسه ی این شاخص با هدف کمی قانون برنامه ی چهارم توسعه یادآور می شود که تحقق نرخ رشد متوسط سالانه ۱۲/۲ درصد برای سرمایه گذاری طی سال های اجرای این برنامه پیش بینی شده است که در سال ۱۳۸۵ باید نرخ رشدی معادل ۱۱ درصد برای سرمایه گذاری تحقق می یافت، اما عملکرد اقتصاد ایران حاکی از تحقق نرخ رشد ۵/۴ درصدی است که فاصله ی معناداری را با نرخ رشد پیش بینی شده در برنامه نشان می دهد و این در شرایطی است که ایران نیاز فراوان به سرمایه گذاری برای حل مشکلاتی از قبیل بیکاری و فقر و توزیع درآمد دارد و عملکرد حاصله حکایت از عدم پاسخ گویی مناسب به نیاز اشتغال جمعیت فعال و جویای کار و رو به ازدیاد بازار کار ایران می کند.

نکته ی قابل تأمل در جریان تشکیل سرمایه طی دو سال اخیر آنکه نرخ رشد سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن (سر منشاء اصلی ایجاد ارزش افزوده بالا و اشتغال پایدار در اقتصاد هر کشور) که طی سال های اجرای قانون برنامه ی سوم توسعه، روند صعودی یافته بود، با روی کار آمدن دولت نهم دچار سکنه شد و روند

نرخ تورم در سال ۱۳۸۵
به رقم ۱۳/۶ درصد افزایش
یافت و فاصله‌ی معناداری
را با نرخ تورم
پیش بینی شده
در قانون برنامه‌ی چهارم
توسعه برای این سال
یعنی رقم ۱۱/۵ درصد
به نمایش گذاشت



۳. نرخ تورم

مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصادی به کار گرفته شده در دولت آقای خاتمی موجبات کنترل نرخ تورم و نوعی ثبات بخشی به آن را در اقتصاد ملی فراهم آورده بود، به گونه‌ای که با وجود اجرای سیاست انبساط پولی در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ و رشد نقدینگی ۳۴/۳ درصدی در این سال، نرخ تورم از رقم ۱۵/۲ درصد در سال ۸۳ به رقم ۱۲/۱ در سال ۱۳۸۴ کاهش یافت. هر چند دولت نهم بر روی کاهش این نرخ بعنوان یکی از موفقیت‌های عملکردش مانور داد و جناح حاکم آن را نتیجه‌ی اجرای سیاست تثبیت قیمت‌های مورد حمایت خود قلمداد و تبلیغ کرد، اما با توجه به رکودی که در سال ۱۳۸۵ به تدریج دامن گیر بازار بورس و سرمایه‌ی کشور شد و در عین حال رخداد رشد نقدینگی حدود ۴۰ درصد، نرخ تورم بار دیگر روند صعودی به خود گرفت و در سال ۱۳۸۵ به رقم ۱۳/۶ درصد افزایش یافت و فاصله‌ی معناداری را با نرخ تورم پیش بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه برای این سال یعنی رقم ۱۱/۵ درصد به نمایش گذاشت. در سایه‌ی این وضعیت یعنی عدم تناسب بین «نرخ رشد نقدینگی» و «نرخ تورم» در دو سال اخیر، نظری مبنی بر از هم گسستگی رابطه‌ی «نرخ تورم» و «رشد نقدینگی» در اقتصاد ایران از سوی مسؤولان بانک مرکزی مطرح شد، اما برخی صاحب‌نظران بارد این نظر آن را ناشی از شرایط محیطی، رکودی و عدم چرخش پول متناسب با نقدینگی موجود در فعالیت‌های اقتصادی، افزایش واردات کالاهای مصرفی و خروج سرمایه از کشور ارزیابی می‌کنند و البته غالب تحقیقات انجام شده حاکی از همبستگی مثبت و بالای نرخ‌های رشد نقدینگی و تورم در اقتصاد ایران است و با تکیه بر این تحقیقات و نرخ‌های تورم اعلامی دو سال

نزولی یافت، به گونه‌ای از نرخ رشد ۱۲/۲ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۷/۲ درصد در سال ۱۳۸۴ و ۴/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ (که بر سر اعلام آن اختلاف شده) کاهش یافته است. به عبارت دیگر عمده‌ی اشتغال ایجاد شده در کشور در دو سال گذشته در بخش خدمات اتفاق افتاده است که ارزش افزوده بالایی را نصیب اقتصاد کشور نکرده و کمک چندانی هم به هموار شدن راه توسعه و رشد صنعتی کشور نمی‌کند. در عین حال افت سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی در بهره‌برداری از منابع نفت و گاز کشور بویژه منابع گازی مشترک با کشور قطر و کاهش رقم سرمایه‌گذاری به رقم ۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ در این بخش نشانه‌ی دیگری از وضعیت نگران‌کننده‌ی جریان سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران را به نمایش می‌گذارد و اینکه در صورت ادامه‌ی این وضعیت ایران در سال‌های آینده فقط در حد تامین نیازهای داخلی قادر به تولید نفت و گاز خواهد بود و به تدریج از نقش یک کشور صادرکننده نفت و گاز به یک کشور مصرف‌کننده تبدیل خواهد شد و اثرگذاری خود را در بازار انرژی دنیا از دست خواهد داد.

نرخ رشد سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان در سال ۱۳۸۵ نسبتاً خوب بود و بالغ بر ۷ درصد شد که در مقایسه با نرخ رشد ۴/۷ درصدی سال قبل حاکی از شرایط نسبتاً جذابی در این بخش به شمار می‌رود هرچند باید این رخداد را در پیوند با وضعیت کل اقتصاد کلان ایران و بازار سرمایه‌ی کشور تحلیل و ارزیابی نمود. در این سال سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات نیز نسبت به سال ۱۳۸۴ رشد داشته و از رقم ۶/۴ درصد به ۸/۸ درصد افزایش یافته است که آن را باید مثبت و در جهت انباشت سرمایه در کشور ارزیابی کرد.

در واقع به لحاظ منطق اقتصادی نوعی تناقض آشکار بین نظر و عمل جناح حاکم بویژه در تدوین و تصویب و اجرای قوانین بودجه‌ی سنواتی به دلیل افزایش بالای هزینه‌های دولت و دامن زدن به رشد نقدینگی در جامعه و دیگر سیاست‌ها در این دو سال مشاهده می‌شود

اخیر می‌توان گفت که در دامن اقتصاد ایران نوعی تورم نهفته لانه کرده است که با تأخیر زمانی خود را ظاهر خواهد ساخت و از این رو باید انتظار رخداد نرخ تورم بیشتری را نسبت به سال ۱۳۸۵ در سال جاری داشت. از آن‌جا که رقم شاخص «تورم» نقش مهمی در ایجاد ثبات اقتصادی، توزیع درآمد و حفظ قدرت خرید مردم و روی‌آوری آنان به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دارد، کنترل و مهار آن از سوی دولت‌ها بسیار حایز اهمیت به شمار می‌رود، به ویژه آن که تعیین نرخ سود بانکی و بازدهی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ارتباط وثیقی با رقم این شاخص در هر کشور دارد. از این منظر افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۸۵ هیچ‌گونه انطباقی با شعارها و وعده‌های اقتصادی و اجتماعی دولت نهم بویژه شعارهای عدالت محوری، بهبود معیشت اقشار محروم و متوسط مردم و توزیع درآمد و... ندارد. یادآور می‌شود که در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه دستیابی به نرخ تورم یک رقمی برای سال آخر اجرای این برنامه (سال ۱۳۸۸) پیش‌بینی شده است، و مجلس هفتم هم با تصویب قانونی بر تحقق این هدف بویژه در رابطه با کاهش نرخ سود بانکی تأکید و دولت را مکلف به انجام آن کرده است، و همچنین رئیس دولت نهم هم بارها بر تحقق این هدف ابرام و تصریح و با همین توجیه اجرای سیاست کاهش نرخ سود بانکی به صورت دستوری را پی گرفته است، اما واقعیت اقتصاد ایران و ارقام شاخص‌های کلان و بویژه نرخ تورم در دو سال اخیر چنین چشم‌اندازی را به نمایش نمی‌گذارد و در این شرایط دستیابی به نرخ تورم یک رقمی را باید یکی از آرزوهای دور اقتصاد ایران برشمرد.

مجلس هفتم و دولت نهم که بر اجرای سیاست تثبیت قیمت کالاها و خدمات دولتی و کاهش نرخ سود بانکی با هدف مهار و کنترل تورم و حمایت از وضعیت اقتصادی و معیشتی اقشار محروم و متوسط جامعه نظر و تأکید داشته و دارند و در سه سال گذشته و جاری این موضوع را دنبال و اجرا کرده‌اند طبعاً می‌باید نسبت به تحقق این موضوع تصمیمات و اقدامات همسویی را هم دنبال می‌کردند، اما در عمل و اجرا اعداد و ارقام ناشی از اجرای قوانین بودجه‌ی دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ چنین عملکردی را به نمایش نمی‌گذارد و در واقع به لحاظ منطق اقتصادی نوعی تناقض آشکار بین نظر و عمل جناح حاکم بویژه در تدوین و تصویب و اجرای قوانین بودجه‌ی سنواتی به دلیل افزایش بالای هزینه‌های

دولت و دامن زدن به رشد نقدینگی در جامعه و دیگر سیاست‌ها در این دو سال مشاهده می‌شود و این رخداد از نوعی سرگردانی فکری و برنامه‌ای در این جناح به رغم بهره‌مندی کامل از مزیت یکپارچگی و یکدستی فکری و سیاسی در حاکمیت حکایت می‌کند. برای اثبات این مدعا و بعنوان نمونه اشاره می‌شود که میزان نقدینگی کشور در پایان سال ۱۳۸۳ حدود ۶۸۵۰۰ میلیارد تومان بود که طی این دو سال به حدود ۱۳۰۰۰۰ میلیارد تومان (نزدیک به دو برابر) افزایش یافته است (رشد متوسط سالانه نقدینگی ۳۷ درصدی در مقابل رشد متوسط سالانه ۲۰ درصدی قانون برنامه‌ی چهارم توسعه). بر اساس منطق اقتصادی روشن است که این میزان افزایش در نقدینگی کشور آن هم ظرف دو سال زود یا دیر اثرات مخرب تورمی خود را در افزایش قیمت کالاها و خدمات مورد تقاضای بیشتر جامعه ظاهر می‌کند که افزایش جهشی قیمت زمین و مسکن (در برخی شهرها تا بیش از صد درصد) در سال ۱۳۸۵ چشمه‌ای از آن به شمار می‌رود (قابل توجه این که قیمت جاری زمین و مسکن در اندازه‌گیری شاخص تورم توسط بانک مرکزی منظور نمی‌شود). این رخداد از یک طرف ثروت صاحبان مسکن و زمین را بطور غیر منتظره و باور نکردنی افزایش داده و بر دامنه‌ی شکاف طبقاتی و توزیع بدتر درآمد در جامعه، درست بر خلاف شعار عدالت محوری دولت نهم افزوده و از طرف دیگر صاحب مسکن شدن اقشار محروم و متوسط بویژه زوج‌های جوان را به آرزویی دور دست و رویایی تبدیل کرده است.

از منظر ارزیابی عملکرد اقتصادی کشور با هدف کمی پیش‌بینی شده برای شاخص تورم در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه همچنان که آمد عملکرد دولت در سال ۱۳۸۵ ناموفق بوده است. یادآور می‌شود دستیابی به نرخ رشد متوسط سالانه تورم ۹/۹ درصد در سال‌های اجرای قانون برنامه‌ی چهارم توسعه پیش‌بینی شده، که دستیابی به نرخ تورم یک رقمی در سال انتهایی برنامه از اهداف کلیدی آن به شمار می‌رود، اما آنچه در دو سال اول اجرای این برنامه حاصل آمده تحقق نرخ رشد متوسط سالانه تورم ۱۲/۸۵ درصد است که فاصله‌ی معناداری را با هدف برنامه به نمایش می‌گذارد.

۴. تجارت خارجی

تراز بازرگانی و تراز حساب جاری کشور در سال ۱۳۸۵ همچون سال‌های پس از ۱۳۷۸ به دلیل افزایش قیمت نفت و تحولات در عرصه‌ی تجارت خارجی مثبت بوده است.

درآمد حاصل از صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۶۱/۸۸۶ میلیارد دلار (بالاترین رقم درآمد نفت در تاریخ معاصر اقتصاد ایران) شد که در مقایسه با رقم پیش‌بینی شده برای عواید حاصل از نفت در جدول شماره ۸ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه برای این سال، یعنی ۱۵۵۹۷ میلیون دلار، افزایش نزدیک به چهار برابر را به نمایش می‌گذارد. این درآمد علاوه بر این که امکان هزینه‌ی ارزی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال ۱۳۸۵ را فراهم ساخت، مازادی بالغ بر ۴۶۲۸۹ میلیون دلار را به وجود آورد که باید به «حساب ذخیره‌ی ارزی» واریز می‌شد، اما با برداشت مبلغ ۲۵۱۱۵ میلیون دلار از این رقم بابت هزینه‌های بودجه‌ی دولت و مابه‌التفاوت دیون مشمول تغییر نرخ ارز و پرداخت تسهیلات بالغ بر ۵/۵ میلیارد دلار به بخش خصوصی، مانده‌ی دارایی‌های این حساب در پایان سال ۸۵ باید به رقم حدود ۳۲/۰۹۹ میلیارد دلار می‌رسید (مانده‌ی دارایی این حساب در پایان سال ۸۴ رقم ۱۰۶۸۶ میلیون دلار موجودی نقدی و ۵۷۴۰ میلیون دلار مطالبات بابت تسهیلات اعطایی بود) ولی بنا بر گزارش بانک مرکزی مانده‌ی دارایی‌های این حساب در پایان سال ۱۳۸۵ معادل ۲۰۴۷۷ میلیون دلار بوده که هرچند نسبت به پایان اسفندماه سال قبل

۲۴/۷ درصد افزایش نشان می‌دهد، اما با رقم محاسبه شده فوق فاصله قابل توجه دارد. موجودی نقدی این حساب در اسفند ماه سال ۸۵ بالغ بر ۹/۴۷۲ میلیارد دلار شده است که این رقم در مقایسه با رقم موجودی نقدی در حساب ذخیره ارزی هنگام تحویل‌گیری دولت نهم از دولت هشتم حدود ۵۳۳ میلیون دلار کسری نشان می‌دهد. این اتفاق که با اصرار دولت نهم در برداشت از این حساب و عمدتاً در قالب متمم‌های بودجه‌ی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و درست در دو سالی که ایران بیشترین درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و گاز را داشته است رخ داده، اتفاق بسیار قابل توجه و تاملی است و به صراحت و قاطعیت می‌توان گفت که نه تنها زنگ خطر عمیق شدن ابتلا به «بیماری هلندی» را در اقتصاد ایران به صدا در آورده است، بلکه عملاً فلسفه وجودی «حساب ذخیره ارزی» را بلاموضوع و بی‌وجه کرده است. جدول ۲ جریان وجوه «حساب ذخیره ارزی» را از آغاز تا پایان سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

«حساب ذخیره‌ی ارزی» یکی از ابتکارات و تمهیداتی بود که با استفاده از تجربیات اجرایی گذشته‌ی کشور توسط دولت هشتم برای محافظت از تأثیرات برون‌زای مخرب نوسانات درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و گاز بر اقتصاد ملی در تدوین برنامه‌ی سوم توسعه پیش‌بینی و پس از تصویب این قانون از سال ۱۳۷۹ به اجرا درآمد. در مسیر اجرا نیز با اصلاح ماده‌ی ۶۰ مربوط در قانون برنامه سوم توسعه در مجلس ششم در چگونگی نحوه‌ی استفاده از منابع این حساب به دولت اجازه داده شد

جدول ۲: جریان وجوه حساب ذخیره ارزی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۵ (میلیون ریال)

شرح	سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	نیمه اول ۱۳۸۴	نیمه دوم ۱۳۸۴	۱۳۸۵
منابع	۵۹۳۴	۳۱۷۷	۵۹۱۳	۵۷۰۸	۱۰۴۸۴	۸۰۹۰	۵۱۰۳	۲۱۳۷۸	
مازاد نقدی	۵۹۳۴	۱۸۲۸	۵۵۹۶	۵۳۰۰	۱۰۲۰۷	۷۹۳۶	۴۸۶۰	۲۱۱۵۵	
سود متعلقه به موجودی	---	۳۱۲	۲۸۲	۲۶۵	۱۷۵	۶۴	۱۵۳	۲۹۸	
بازدریافت تسهیلات اعطایی و سود آن	---	۱۷	۳۵	۴۳	۱۰۲	۸۰	۹۰	۲۵	
مصارف	---	۸۱۳	۵۱۲۹	۵۳۳۷	۹۳۵۰	۷۵۶۲	۴۴۲۲	۲۲۲۷۳	
مابه‌التفاوت دیون مشمول تغییر نرخ	---	---	۲۳۳۱	۲۳۱۴	۳۷۸۱	۱۱۱۴	۲۸۶	-	
برداشت بودجه‌ای	---	۶۶۵	۳۱۰۰	۱۸۵۷	۴۷۳۲	۵۱۸۸	۲۸۸۳	۱۷۷۶۱	
(تسهیلات اعطایی) بخش غیر دولتی	---	۱۵۸	۵۹۸	۱۰۷۶	۱۹۳۷	۱۳۶۰	۱۰۵۳	۵۵۱۳	
موجودی نقدی در پایان دوره	۵۹۳۴	۱۳۹۸	۸۰۸۲	۸۳۳۳	۹۶۷۷	۱۰۰۰۵	۱۰۶۸۶	۹۴۴۹	
مطالبات مربوط به تسهیلات ارزی	۰	۱۴۲	۷۰۵	۱۷۴۱	۳۵۸۲	۴۷۶۹	۵۷۴۰	۱۰۹۷۵	
دارایی حساب ذخیره ارزی	۵۹۳۴	۷۴۴۰	۸۷۸۷	۱۰۱۸۴	۱۳۰۶۰	۱۶۷۷۴	۱۶۴۲۶	۲۰۴۴۷	

درآمد حاصل از صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۶۱/۸۸۶ میلیارد دلار (بالاترین رقم درآمد نفت در تاریخ معاصر اقتصاد ایران) شد که افزایش نزدیک به چهار برابر را به نمایش می‌گذارد

«حساب ذخیره‌ی ارزی» یکی از ابتکارات و تمهیداتی بود که با استفاده از تجربیات اجرایی گذشته‌ی کشور توسط دولت خاتمی برای محافظت از تأثیرات برونزای مخرب نوسانات درآمد ارزی حاصل از فروش نفت و گاز بر اقتصاد ملی در تدوین برنامه‌ی سوم توسعه پیش‌بینی و پس از تصویب این قانون از سال ۱۳۷۹ به اجرا درآمد

اقتصادی دولت خاتمی در زمینه‌ی صادرات غیرنفتی بیش‌تر پی‌خواهیم برد و آن را باید موفقیتی برای کشور و اصلاح‌طلبان محسوب کرد، اما قطعاً تلاش‌های بیش‌تری باید در جهت کسب درآمد از ناحیه‌ی صادرات غیرنفتی، خصوصاً صادرات محصولات صنعتی توسط دولت نهم انجام گیرد و راهبرد توسعه‌ی صادرات با همه‌ی لوازم و مقتضیاتش در اداره‌ی اقتصادی کشور پی‌گرفته شود. یادآور می‌شود نزدیک به نیمی از رقم صادرات غیر نفتی (رقم ۶۷۰۲ میلیون دلار) به صادرات مواد شیمیایی و پتروشیمی (بویژه میعانات گازی) اختصاص دارد که ناشی از سرمایه‌گذاری‌های دوره دولت خاتمی در این بخش می‌باشد. رقم حاصله از صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۸۵ در مقایسه با رقم پیش‌بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه یعنی ۹۴۵۵ میلیون دلار حاکی از موفقیت عملکرد اقتصاد ایران در این باره و افزایش ۴۷ درصدی نسبت به آن است و تحقق این امر چشم‌انداز امیدوارکننده را پیش‌روی اقتصاد کشور در این عرصه قرار می‌دهد. میزان واردات گمرکی در سال ۱۳۸۵ برابر ۴۱/۳۹۰ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با سال قبل (۳۹/۷۴۲ میلیارد دلار) معادل ۴/۱ درصد رشد داشته است. بطور برآورد می‌توان دریافت که واردات کل کالا و خدمات به کشور به رقم حدود ۵۰ میلیارد دلار در این سال بالغ شود. رقم واردات سال ۱۳۸۵ در مقایسه با رقم ۳۶/۶۳۹ میلیارد دلار سال ۱۳۸۳ و ۳۹/۷۴۲ میلیارد دلار سال ۱۳۸۴ و همه‌ی سال‌های گذشته بالاترین رقم واردات در اقتصاد ایران است. جالب آن که اقتدارگرایان در همه‌ی سال‌های گذشته به دولت هشتم درباره‌ی افزایش میزان واردات ایراد گرفته و آن را عملکردی منفی ارزیابی می‌کردند، اما تاکنون در قبال این رخداد در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، که جمعا

حداکثر معادل ۵۰ درصد مانده موجودی این حساب را برای اعطای تسهیلات ارزی به بخش خصوصی تخصیص دهد که این تصمیم را باید یکی از مهم‌ترین اقدامات اصلاح‌طلبان در حمایت از بخش خصوصی و بهره‌گیری از درآمد نفت برای سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد ایران به شمار آورد. ظاهراً افزایش مستمر درآمد نفت پس از سال ۱۳۷۸ یکی از اهداف اصلی تمهید این حساب را که همانا ایجاد لنگرگاهی مطمئن برای اقتصاد کشور در قبال جزر و مدهای درآمد ارزی کشور بوده است، از دیدگاه دولت نهم بلاموضوع کرده و همین امر باعث رویکرد کامل هزینه‌ای به منابع موجود در این حساب شده است. در عین حال باید توجه داد که هرگونه ذخیره‌ی ارزی در این حساب می‌تواند بعنوان پشتوانه‌ای قوی برای بهره‌مندی بیش‌تر کشور از امکانات بازار سرمایه‌ی جهانی باشد که با خالی شدن آن طبعاً امکان این بهره‌مندی هم از بین می‌رود. متأسفانه نوع نگاهی که پس از استقرار مجلس هفتم و دولت نهم نسبت به این حساب به وجود آمده و در عمل نیز استفاده از منابع آن را در جهت‌هایی غیر از سرمایه‌گذاری و تولید رقم زده است بطور قطع با فلسفه‌ی تاسیس این حساب در تناقض بوده و وجود آن تقریباً بلاموضوع کرده است.

درآمد حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۶/۳۰۱ میلیارد دلار اعلام شده است که حاکی از سیر صعودی و مثبت این شاخص در سال‌های اخیر است. اگر در نظر آوریم که دستیابی به چنین رقمی هم‌زمان با ثبات نسبی نرخ ارز در هفت سال گذشته - به معنای واقعی کاهش نرخ برابری ارزهای خارجی با پول ملی - و تغییر در ترکیب صادرات غیرنفتی از کالاهای سنتی به صنعتی رخ داده است، آنگاه به عملکرد مثبت سیاست‌های

جدول ۳: واردات و ترکیب آن بر حسب کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
شرح										
(میلیون دلار) کل واردات	۱۴۱۹۶	۱۴۲۳۳	۱۲۶۸۳	۱۴۳۴۷	۱۷۹۳۸	۲۲۲۷۵	۲۹۷۰۰	۳۶۶۴۲	۳۹۶۶۴	۴۱۲۹۰
(میلیون دلار) واردات سرمایه‌ای	۴۶۶۱	۶۰۰۲	۴۵۱۰	۴۸۴۲	۶۳۷۸	۹۶۶۸	۱۲۷۷۱	۱۵۷۵۶	۸۹۰۷	۷۹۸۸
(میلیون دلار) واردات واسطه‌ای	۷۵۲۴	۶۳۱۰	۶۲۲۵	۷۴۰۱	۸۹۶۹	۹۷۶۶	۱۳۰۶۸	۱۵۷۵۶	۲۳۶۰۷	۲۵۴۵۵
(میلیون دلار) واردات مصرفی	۲۰۰۷	۲۰۱۱	۱۹۴۸	۲۱۱۲	۲۶۹۱	۲۸۴۴	۳۸۶۱	۵۱۳۰	۷۱۵۰	۷۹۴۷
(درصد) سهم واردات سرمایه‌ای	۸/۲۲	۹/۴۱	۶/۳۵	۷/۳۳	۳۵	۴/۴۳	۴۳	۴۳	۵/۲۲	۳/۱۹
واسطه‌ای (درصد) سهم واردات	۵۳	۱/۴۴	۱/۴۹	۶/۵۱	۵۰	۸/۲۳	۴۴	۴۳	۵/۵۹	۵/۶۱
سهم واردات مصرفی (درصد)	۱/۱۴	۱۴	۴/۱۵	۷/۱۴	۱۵	۸/۱۲	۱۳	۱۴	۱۸	۲/۱۹

مجموع دارایی‌های خارجی
بانک مرکزی و حساب
ذخیره‌ی ارزی در
شش ماهه‌ی اول سال
۱۳۸۵ رقم ۹/۴۰۲ میلیارد
دلار افزایش نشان می‌دهد
که با احتساب ذخایر
و دارایی‌های قبلی در
سال ۱۳۸۵ ذخایر ارزی
کشور به رقمی بیش از
۶۵ میلیارد دلار بالغ
می‌شود

دولتی تحت فشار قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر در این دوره خالص حساب سرمایه‌ی کشور در شش ماهه اول سال ۱۳۸۵ دارای کسری معادل ۲۹۸۷ میلیون دلار بود. این کسری عمدتاً ناشی از کاهش مازاد حساب‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در نتیجه‌ی بازپرداخت بدهی‌های گذشته و افزایش مانده‌ی ارزهای تهاتری و نیز کاهش مازاد حساب بانک‌ها و سایر به دلیل روند نزولی افزایش در اعتبارات اسنادی و افزایش دارایی‌های خارجی بانک‌ها بوده است. مجموع دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و حساب ذخیره‌ی ارزی در شش ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۵ رقم ۹/۴۰۲ میلیارد دلار افزایش نشان می‌دهد که با احتساب ذخایر و دارایی‌های قبلی در سال ۱۳۸۵ ذخایر ارزی کشور به رقمی بیش از ۶۵ میلیارد دلار بالغ می‌شود. از این رو می‌توان گفت دولت نهم در موقعیتی کاملاً استثنایی به لحاظ پشتوانه‌ی مالی و اعتباری نسبت به دولت‌های پس از انقلاب مسؤولیت اداره‌ی کشور را به عهده گرفته است، فرصتی که از آن می‌توان برای جهش اقتصادی کشور و دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و سند چشم‌انداز توسعه‌ی ۲۰ ساله‌ی کشور نهایت استفاده را برد.

بزرگ‌ترین چالش
بخش خارجی اقتصاد
ایران، بلکه تصویر
کلان اقتصاد کشور،
طی سال‌های آینده
ایجاد ظرفیت پرداخت

جدید و تنوع در مبانی صادراتی است. آزادسازی در تجارت خارجی (عمدتاً تسهیل واردات) و جریانات سرمایه‌ای طی سال‌های اخیر اگرچه بسیار مثبت و سازنده بوده است، اما باید با سیاست‌های معطوف به تنوع‌پذیری در تولید و صادرات و حفظ رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در عرصه‌ی جهانی ممزوج و تکمیل شود. آزادسازی‌های یک‌جانبه‌ی سال‌های اخیر، محتوای وارداتی رشد تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی را به شدت افزایش داده است (تفاوت متوسط رشد سالانه‌ی واردات ۲۱ درصد و رشد متوسط سالانه‌ی تولید ۵/۴ درصد طی دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۷۹). این تحول نشانگر آن است که اقتصاد در حد ظرفیت‌های بالقوه تولید نمی‌کند، بلکه از بابت رقابت‌پذیری و فروش محصول دچار مشکل است و از این رو

۸۱/۱۳۲ میلیارد دلار واردات به کشور انجام گرفته است، سکوت کرده‌اند. در گذشته در پاسخ به این ایراد همواره نویسنده یادآور می‌شد که در شرایط امروز جهانی میزان داد و ستد یا اقتصاد جهانی و تراز تجاری مثبت معیار مناسبی برای ارزیابی عملکرد اقتصادی یک کشور است و رقم واردات به تنهایی نمی‌تواند نشانگر عملکرد مثبت یا منفی باشد، اما در شرایط اقتصاد ایران باید افزایش چشم‌گیر رقم واردات در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ را قابل توجه و تأمل دانست. رقم پیش‌بینی شده برای واردات در سال ۱۳۸۵ در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه ۳۴/۴ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با عملکرد حاصله تفاوتی ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد و حاصل اینکه در سال اول اجرای برنامه ۱/۲۵ برابر و در سال دوم ۱/۲ برابر آنچه در برنامه پیش‌بینی شده، کشور واردات داشته است. البته علت اصلی این رخداد را باید در افزایش درآمد ارزی کشور ناشی از افزایش قیمت نفت دانست. با نگاهی به جدول ۳ ملاحظه می‌شود که در سال‌های پس از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ (دوره‌ی دولت خاتمی) سهم عمده‌ی واردات به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، که نقش عمده و مستقیمی در تولید و اشتغال دارند، تعلق داشته است، اما گزارش‌های اعلام شده حاکی از تغییر ترکیب کالاهای وارداتی به سمت واردات کالاهای مصرفی در دوره دولت نهم است که این رخداد را نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد و با توجه به اقتصاد نفتی ایران باید مزمّن شدن «بیماری هلندی» را انتظار کشید. در عین حال باید یادآور شد که رشد واردات در سطوح بسیار بالاتر از نیاز رشد تولید ملی مبین محتوای بیش از حد نیاز وارداتی رشد تولید کشور است و این نگرانی وجود دارد که اقتصاد ملی به میزان مطلوب بازدهی نداشته است.

تراز پرداخت‌های خارجی کشور در سال ۱۳۸۵ در بخش تراز بازرگانی و حساب جاری هنوز توسط بانک مرکزی اعلام نشده است، اما به یمن افزایش درآمد نفت هر دو مثبت ارزیابی می‌شود. در عین حال با توجه به شتاب واردات و عدم پایداری قیمت نفت، وضعیت حاکم بر تراز پرداخت‌های کشور را نمی‌توان روندی ماندگار و پایدار تلقی کرد. نقطه‌ی آسیب تراز پرداخت‌های کشور زمانی است که قیمت نفت در بازارهای جهانی دچار کاهش شود. علاوه بر این حساب جاری تراز پرداخت‌های کشور طی سال‌های آتی از بابت پرداخت‌های حساب خدمات برای پروژه‌های B.O.T خصوصاً در زمینه‌ی برق و سایر خدمات

**تعهدات خارجی کشور
با حدود ۸/۳ درصد تغییر
از ۴۱/۹ میلیارد دلار در
پایان سال ۱۳۸۴ به
۴۵/۳ میلیارد دلار در پایان
اسفند سال ۱۳۸۵
افزایش یافت**

رسید و بالغ بر حدود ۵۰ میلیارد دلار شد (بیش از ۱۶ برابر). مدیریت بدهی خارجی و افزایش ذخایر و دارایی‌های خارجی کشور که ناشی از مدیریت منابع ارزی توسط دولت هشتم به نفع اقتصاد ملی بوده است را می‌توان یکی از موفقیت‌های برجسته‌ی این دولت به شمار آورد.

تعهدات خارجی کشور با حدود ۸/۳ درصد تغییر از ۴۱/۹ میلیارد دلار در پایان سال ۱۳۸۴ به ۴۵/۳ میلیارد دلار در پایان اسفند سال ۱۳۸۵ افزایش یافت. در این دوره تعهدات بالقوه خارجی با ۲۴/۱ درصد افزایش به ۲۱/۸۲۵ میلیارد دلار رسید. تعهدات بالفعل نیز معادل ۲۳/۵ میلیارد دلار بود که نسبت به پایان سال قبل (۲۴/۳ میلیارد دلار) ۳/۱ درصد کاهش نشان می‌دهد. در یک ارزیابی واقع بینانه رقم بدهی کل کشور نسبت به رقم تولید ناخالص داخلی و در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه رقم قابل قبولی است هرچند با نگاه احتیاطی باید از ایجاد و افزایش هرگونه بدهی جدید برای کشور و دولت جلوگیری کرد.

ارزش قراردادهای بیع متقابل شناسایی شده تا پایان ۹ ماهه‌ی اول سال ۲۰۰۵ میلادی حدود ۸۶۲۲۲ میلیون دلار بوده که ۱۷۰۵۱ میلیون دلار از تعهدات پیمانکاران آن محقق شده و ۸۰۸۸ میلیون دلار (شامل ۶۹۵۶ میلیون دلار اصل و ۱۱۳۲ میلیون دلار بهره) از تعهدات قبلی نیز بازپرداخت شده است. میزان خالص تعهدات بالقوه و بالفعل از قراردادهای بیع متقابل در مقطع مذکور به ترتیب معادل ۵۸۱۱ و ۱۰۰۹۵ میلیون دلار است. متأسفانه اعداد و ارقام مربوط به سال ۲۰۰۶ در این باره اعلام نشده است ضمن اینکه با توجه به تحولات حادث پس از روی کار آمدن دولت نهم در عرصه داخلی و خارجی روند سرمایه‌گذاری در منابع نفت و گاز به صورت بیع متقابل دچار سکنه و تقریباً متوقف شده است که این رخداد را نمی‌توان برای اقتصاد نفت ایران مثبت ارزیابی کرد.

بازنگری در برخی سیاست‌ها را ضروری می‌کند. در این مسیر پاسداری از «حساب ذخیره‌ی ارزی» از بابت پشتوانه‌ی ارزی برای کشور و بودجه‌ی دولت در شرایط کاهش قیمت نفت و حمایت و تقویت مستمر بخش خصوصی و نیز ایجاد اطمینان لازم در فعالان اقتصادی باید به جد مورد توجه دولت و مجلس قرار گیرد و برداشت از این حساب جز در موارد حیاتی و ضروری انجام نشود، اقدامی که متأسفانه دولت نهم و مجلس هفتم در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ و سال ۱۳۸۵ به آن توجه و عمل نکرده‌اند.

لازم به ذکر است که با وجود افزایش رقم تجارت خارجی کشور در سال ۱۳۸۵ به رقم حدود ۱۲۰ میلیارد دلار (عمدتاً به دلیل افزایش قیمت نفت) سهم ایران از تجارت جهانی بالغ بر ۰/۴۵ درصد بوده است که تناسب چندانی با نسبت جمعیت ایران به جهان و امکانات و توانایی‌ها و جایگاه کشور در عرصه‌ی جهانی و منطقه‌ای ندارد.

۵. بدهی خارجی

در هنگام روی کار آمدن دولت هشتم در سال ۱۳۷۶ تعهدات بالفعل (بدهی) خارجی ایران ۱۴/۳ میلیارد دلار بود که در پایان کار دولت خاتمی در سال ۱۳۸۴ به حدود ۲۳ میلیارد دلار افزایش یافت و این در حالی بود که طی همین دوره میزان ذخایر ارزی و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از رقم حدود سه میلیارد دلار به بالاترین حد خود طی سال‌های پس از انقلاب

۶. بیکاری و اشتغال

بر پایه‌ی ادعای وزیر کار و امور اجتماعی دولت نهم عملکرد اقتصاد کشور در ایجاد فرصت‌های شغلی در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ حدود ۱۹۵۰ هزار شغل در مقابل عرضه‌ی ۲۵۰۰ هزار نیروی کار به بازار بوده است. همچنان‌که ملاحظه می‌شود این عملکرد پاسخ‌گوی بازار کار نبوده و این در حالی است که کشور با انباشت حدود سه میلیون نفر جمعیت بیکار از سال‌های گذشته و موج جمعیت جویای کار به بازار در سال‌های آتی رو به‌روست. در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه برای پاسخ‌گویی به نیاز اشتغال در کشور طی سال‌های اجرای برنامه، ایجاد متوسط سالانه ۸۹۷ هزار فرصت شغلی پیش‌بینی شده است تا از این رهگذر نرخ بیکاری از ۱۲/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۸ کاهش یابد، و طی همین دوره جمعیت بیکار از حدود ۲/۷ میلیون نفر به ۲/۲ میلیون نفر برسد. هرچند بنا به ادعای وزیر کار عملکرد اقتصاد کشور در دو سال اول اجرای قانون برنامه‌ی چهارم توسعه بیش از پیش‌بینی برنامه در مورد ایجاد فرصت‌های شغلی عمل کرده است و در صورت صحت این مدعا باید آن را موفقیتی برای دولت نهم قلمداد کرد، اما نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ تعداد بیکاران در این سال را برابر ۲/۹۹۱ میلیون نفر و نرخ بیکاری را ۱۲/۷۵ درصد گزارش کرده است. از آن‌جا که مساله‌ی بیکاری و اشتغال را باید یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی اقتصاد ملی در شرایط کنونی دانست یقیناً حل آن نیاز به عزم ملی و همراهی همه ارکان و اجزای نظام دارد و این که باید از تمام روش‌ها و امکانات موجود داخلی و خارجی و دولتی و خصوصی برای سرمایه‌گذاری استفاده شود که در این مسیر تعامل مثبت و سازنده با اقتصاد جهانی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بر پایه سخن همین وزیر برای تحقق اهداف کمی سند چشم‌انداز توسعه‌ی بیست ساله کشور سالانه بطور متوسط نیاز به سرمایه‌گذاری معادل ۲۰۰ میلیارد دلار دارد که تامین حتی نیمی از این میزان سرمایه‌سیاست‌های خاص و عزم ملی را می‌طلبد و از روز روشن‌تر است که عدم پاسخ‌گویی مناسب به نیاز سرمایه‌گذاری و اشتغال برای خیل بیکاران بیش از سه میلیون نفر چه آثار و عواقب زیانباری را می‌تواند متوجه کشور و نظام کند. گسترش فقر و فساد و تبعیض و... ناشی از افزایش دامنه‌ی بیکاری و انباشت خیل بیکاران می‌تواند به

شکل‌گیری پدیده‌ای به نام «لشگر ذخیره‌ی آشوب» منجر شود که حتماً مسؤولان اداره‌ی کشور که بیشترین شعارها را در مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و... سرداده و می‌دهند، به این موضوع توجه تام و تمام دارند. جالب آنکه آنانی که بیش‌ترین انتقادهای را از این ناحیه متوجه دولت خاتمی و اصلاح‌طلبان می‌کردند حال خود بطور یکپارچه در مصدر اداره‌ی امور قرار گرفته‌اند و طبعاً باید پاسخ‌گوی شعارها و وعده‌های گذشته‌ی و حال خود باشند.

تصویری از توزیع جمعیت کشور برحسب فعال و شاغل بیان می‌دارد که نرخ بیکاری در پایان سال ۱۳۸۴ معادل ۱۲/۱ درصد بوده است (جمعیت فعال ۲۲/۳ و شاغل ۱۹/۶ میلیون نفر) و بر پایه‌ی نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ نرخ بیکاری در این سال ۱۲/۷۵ درصد اعلام شده است (جمعیت فعال ۲۳/۵ میلیون نفر و شاغل ۲۰/۵ میلیون نفر) که مقایسه‌ی رقم این دو سال حاکی از افزایش نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۵ است و در واقع عملکرد اقتصاد کشور در این باره موفق نبوده است.

۷. ارزش پول ملی

عملکرد اقتصاد کشور را با توجه به مجموع شاخص‌های کلان اقتصادی، به خصوص با تکیه بر دو شاخص نرخ رشد تولید و تفاوت نرخ تورم داخلی و جهانی، در زمینه‌ی حفظ و تقویت ارزش پول ملی را تا حدودی باید موفق ارزیابی کرد. در سال ۱۳۸۵ نرخ برابری ریال با ارزهای خارجی چندان تغییری را تجربه نکرد که این امر نوعی آرامش و ثبات را به اقتصاد ملی ارزانی داشت و فعالان اقتصادی را نسبت به نوسانات نرخ ارز در دامنه‌ی کم اطمینان داد که در صورت شرایط مساعد می‌تواند در ترغیب این گروه برای سرمایه‌گذاری موثر باشد و انتظار می‌رود که سیاست حفظ و تقویت ارزش پول ملی همچون گذشته مورد توجه دولت باشد. در عین حال باید بر این نکته تاکید کرد و توجه داد که ثابت نگه داشتن نرخ برابری پول ملی با ارزهای خارجی به صورت دستوری و اداری از سوی دولت و بانک مرکزی در میان مدت و دراز مدت به کاهش قدرت رقابت بنگاه‌های اقتصادی ایران در عرصه‌ی جهانی و به ضرر کالاهای صادراتی عمل خواهد کرد و می‌تواند سیاست توسعه‌ی صادرات غیر نفتی را با شکست مواجه کند.

نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵
تعداد بیکاران در این سال
را برابر ۲/۹۹۱ میلیون نفر
و نرخ بیکاری را
۱۲/۷۵ درصد
گزارش کرده است

افزایش ۳/۸ درصدی
رقم شاخص قیمت کل
سهام، خود گویاترین نشانه
بر وضعیت دشوار و بحرانی
بورس در این سال است،
هر چند نسبت به کاهش
۲۱/۹ درصدی این شاخص
در سال ۱۳۸۴
روند کاهشی این شاخص
متوقف و تا حدودی
ثبات یافته است

۸. بورس اوراق بهادار

۱۳۸۳ دچار آسیب شد و در سال ۱۳۸۴ این روند نزولی شدت یافت و عملاً به فرار سرمایه از این بازار دامن زد به گونه‌ای که به رغم ورود فعال دولت برای واگذاری شرکت‌های دولتی از طریق بورس و افزایش شرکت‌های بورسی از ۴۱۹ در سال ۱۳۸۴ به ۴۳۱ شرکت در سال ۱۳۸۵ بازار سرمایه موفق به جلب اعتماد دوباره‌ی سرمایه‌گذاران و جذب پس‌اندازهای خرد و کلان به سوی سرمایه‌گذاری و تولید نشد. وضعیت بازار بورس و روند حرکت شاخص قیمت کل سهام بازتابی از روند تحولات و وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جاری کشور است و به همین دلیل دولتمردان و فعالان عرصه‌ی سیاست و اقتصاد باید به شدت نسبت به این وضعیت و روند حرکتی شاخص حساس بوده و جهت‌گیری آن را در هر گونه تصمیم‌گیری و اقدام لحاظ کنند. نکته‌ی قابل ذکر این که اجرایی شدن قانون جدید بازار سرمایه از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ نیز نتوانسته تاثیر مثبت چندانی در اصلاح روند جاری بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۸۵ بگذارد، هرچند که اجرای کامل این قانون و تاثیرات آن را باید در سال جاری پی گرفت.

۹. بودجه دولت

جدول ۵ متغیرها و شاخص‌های کلان اقتصادی کشور در پیوند با بودجه‌ی دولت را نشان می‌دهد. اگر به نسبت‌های بودجه‌ی کل کشور و بودجه‌ی عمومی دولت به تولید اسمی در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ (به ترتیب ۹۰/۲، ۹۵/۱، ۲۷/۸ و ۲۸/۶) در مقایسه با سال‌های ۱۳۷۶ به بعد توجه و تامل شود به خوبی از گسترده شدن حیطه‌ی مداخله دولت در

جدول ۴ عملکرد معاملات سهام در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۷۶ به بعد را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که عملکرد بازار بورس در سال ۱۳۸۵ برای سهام‌داران بازده مناسبی را به همراه نداشته و آن‌ها سود چندانی از حضور در این بازار نبرده‌اند. افزایش ۳/۸ درصدی رقم شاخص قیمت کل سهام، خود گویاترین نشانه بر وضعیت دشوار و بحرانی بورس در این سال است هر چند نسبت به کاهش ۲۱/۹ درصدی این شاخص در سال ۱۳۸۴، روند کاهشی این شاخص متوقف و تا حدودی ثبات یافته است.

دلایل چنین رخدادی را باید در پیوند با تحولات داخلی (سیاست‌های دولت) و خارجی (مسایل مرتبط با پرونده‌ی هسته‌ای ایران و سیاست خارجی) و مسایل درونی سازمان بورس جست‌وجو کرد. به هر حال ارزش جاری بازار سهام تحت تاثیر این تحولات از ۳۲۵۷۲۹ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۴ به ۳۸۲۵۱۴ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۵ افزایش یافت که حاکی از ۱۷/۴ درصد رشد در این بازار است اما هنوز در مقایسه با ارزش جاری بازار در پایان سال ۱۳۸۳ (رقم ۳۸۷۵۴۷ میلیارد ریال) کمتر است و در واقع هنوز بازار به وضعیت دو سال قبل خود بازگشت نکرده است و با وجود رشد مثبت ۱/۹ درصدی تعداد سهام معامله شده در این سال ارزش معاملات در حد ۱۵/۶ درصد کاهش یافته است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت روند مثبتی که از سال ۱۳۷۶ در بورس اوراق بهادار به راه افتاده بود و موجبات جذب پس‌اندازهای مردم به سوی سرمایه‌گذاری و تولید را دامن می‌زد، متأسفانه از نیمه‌ی دوم سال

جدول ۴: فعالیت بورس اوراق بهادار تهران

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
ارزش معاملات (میلیارد ریال)	۲/۲۰۱۷	۷/۳۱۱۶	۶/۵۳۲۲	۹/۱۷۶/۷	۹/۸۸۳۰	۱/۳۳۷۷۶	۶/۷۱۷۸	۱۰/۱۶۲۲	۸/۵۲۵۲۸	۵۵۶۳۵
تعداد سهام مورد معامله (میلیون سهم)	۲/۵۵۶	۷/۱۲۰۲	۹/۱۱۸۱	۱۶۸۱/۵	۶/۱۷۰۰۵	۲/۲۱۴۵	۱/۷۸۸۰	۴/۱۳۶۶۷	۹/۱۳۵۰۲	۱۳۷۸۴
شاخص قیمت کل سهام (۱۰۰ - ۱۳۶۹)	۱۶۵۲	۱۵۳۸	۲/۲۲۰۶	۲۹۷۸/۳	۸/۳۳۵۸	۸/۵۰۶۲	۴/۱۱۳۷۹	۱۲/۱۱۳	۴/۱۹۲۵۹	۹۸۲۱
شاخص قیمت مالی	۲/۲۰۶۸	۲/۲۰۶۸	۶/۴۶۸۲	۲/۳۳۳۷	۹/۸۳۹۷	۹/۸۳۹۷	۶/۳۳۳۰۵	۶/۳۳۳۰۵	۲/۲۰۹۴۱	۲۰۸۷۴
شاخص قیمت صنعت	۸/۱۲۷۵	۸/۱۲۷۵	۹/۱۹۲۵	۸/۳۳۲۱	۸/۳۳۲۱	۸/۳۳۲۱	۹/۹۲۱۴	۹/۹۲۱۴	۲/۲۲۲۷	۷۷۵۲
شاخص قیمت و بازده نقدی	۹/۱۹۱۱	۹/۱۹۱۱	۲/۳۲۶۶	۲/۳۲۶۶	۷۵۰۲	۹/۱۱۳۳۵	۹/۱۱۳۳۵	۳۰۱۶۲	۸/۳۸۸۲۹	۳۰۷۶۶
شاخص بازده نقدی	۴۰۰۵	۴۰۰۵	۲/۲۴۶۷	۲/۲۴۶۷	۲۹۸۸/۱	۲/۲۲۹۹	۵/۲۷۰۲	۱/۴۱۹۸	۲/۳۶۴۲	۵۱۸۲
ارزش بازار (میلیارد ریال)	۳۷۱۲۸	۳۷۱۲۸	۶/۲۴۳۸	۶/۲۴۳۸	۸/۸۶۸۸	۹/۱۱۳۳۲	۳۰۴۶۶	۳۸۵۳۷	۳۲۵۲۲۹	۲۸۲۵۱۳
تعداد شرکت‌ها	۲۶۲	۲۶۲	۳۰۷	۳۰۷	۳۱۸	۳۳۴	۳۸۴	۴۲۲	۴۱۹	۴۲۱

اقتصاد ملی و دولتی شدن هر چه بیشتر اقتصاد ایران به واسطه‌ی افزایش چشمگیر درآمدهای نفتی در این دو سال و هزینه‌ی آن توسط دولت نهم حکایت دارد. این شاخص‌ها که در واقع بیانگر نقش دولت در اقتصاد ملی است به خوبی بیانگر میزان بالای مداخله‌ی دولت در اقتصاد ایران است و با توجه به روند افزایشی آن در سال‌های اخیر باید آن را به لحاظ کاهش نقش تصدی‌گری دولت منفی ارزیابی کرد. ضمن آنکه بر پایه‌ی نتایج مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در کشورهای در حال توسعه ناکارایی اقتصادی و رشد فساد همبستگی مثبتی با میزان مداخله دولت در اداره اقتصادی این کشورها دارد و تجربه ایران نیز

گواه درستی بر این نتایج است. جدول ۶ تصویری از ارقام بودجه کل کشور در سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۶ را ارائه می‌کند.

از مهم‌ترین شاخص‌های موجود در بخش بودجه‌ی دولت، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید اسمی است. این نسبت برای سال ۱۳۸۵ برابر ۷/۳ درصد بوده است که در مقایسه با سال‌های قبل (این نسبت برای دو سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ برابر با ۶/۱ درصد بوده است) اندکی افزایش نشان می‌دهد که با توجه به روند افزایشی هر چند کند این شاخص طی سال‌های اجرای قانون برنامه‌ی سوم توسعه باید آن را مثبت ارزیابی کرد و امید داشت که با تصویب لایحه‌ی «مالیات بر

از مهم‌ترین شاخص‌های موجود در بخش بودجه‌ی دولت، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید اسمی است؛ این نسبت برای سال ۱۳۸۵ برابر ۷/۳ درصد بوده است که در مقایسه با سال‌های قبل اندکی افزایش نشان می‌دهد

جدول ۵: متغیرها و شاخص‌های کلان اقتصادی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ (درصد/ میلیارد ریال)

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۷۶	۲۸۰۵۳	۲۹۷۶۹	۵۰۰۹۸	۵۳۱۷۷	۵۴۹۳۱	۵۸۹۹۷	۶۲۹۴۹	۶۵۹۷۱	۶۹۵۳۲	۷۳۲۱۷
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ۷۶	۳/۳	۶/۳	۷/۱	۱/۵	۳/۳	۶/۷	۷/۶	۸/۴	۴/۵	۳/۵
تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (تولید اسمی)	۲۹۱۷۶۹	۳۲۸۵۲۸	۴۳۳۲۸۵	۵۷۳۶۹۳	۶۶۲۱۱۶	۷۱۷۰۳۵	۷۹۵۳۰۵	۸۷۱۸۱۹	۹۶۹۱۸۱۴	۱۰۴۴۴۶۰
نسبت نقدینگی به تولید اسمی	۴۶	۸/۴۸	۳/۴۴	۲/۴۳	۹/۲۷	۵/۳۵	۲۸	۵/۳۹	۳/۵۴	۶/۳
نسبت بودجه کل کشور به تولید اسمی	۲/۶۳	۶/۶۸	۶/۴	۶/۶۰	۴/۶۵	۶/۷۲	۶/۷۳	۶/۷۳	۶/۷۳	۱/۹۵
نسبت بودجه عمومی دولت به تولید اسمی	۵/۳۲	۸/۶۱	۹/۲۱	۸/۱۸	۳۰	۲۵	۲۴	۶/۲۳	۸/۲۷	۶/۲۸
نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید اسمی	۹/۵	۷/۵	۹/۵	۷/۵	۳/۶	۵/۵	۹/۵	۱/۶	۱/۶	۳/۷
نسبت هزینه‌های جاری دولت به تولید اسمی	۴/۱۵	۲/۱۶	۷/۱۵	۹/۱۲	۹/۱۵	۱/۱۶	۳/۱۶	۱۶	۸/۱۸	۲/۱۹
سهم مالیات‌ها از کل درآمدهای دولت	۹/۶۶	۳/۶۰	۵۴	۸/۲۲	۳/۲۲	۹/۲۴	۲۴	۸/۲۵	۸/۲۱	۶/۲۵
سهم هزینه‌های جاری از کل درآمدهای مالیاتی	۳/۲۵۹	۵/۲۸۶	۱/۲۶۴	۴/۲۶۱	۱/۲۵۱	۷/۲۹۱	۸/۲۷۳	۹/۲۶۱	۳۱۰	۹/۲۶۴
سهم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از فروش نفت	۶/۶۰	۸۶	۶۸	۸/۲۷	۳/۲۲	۵/۲۸	۳۴	۱/۳۱	۳۵	۲۸
درآمد نفت	۳۲۲۳۴	۲۰۵۳۶	۴۰۰۲۲	۵۹۲۴۸	۷۴۹۵۷	۱۱۷۰۰۲	۱۶۹۹۴۴	۲۰۵۷۸۹	۳۱۶۲۷۶	۳۶۶۴۲۶
درآمدهای مالیاتی	۱۷۳۳۵	۱۸۶۸۷	۲۵۸۳۱	۳۲۸۴۲	۳۱۷۸۵	۵۰۵۸۶	۶۵۰۹۹	۸۴۳۲۱	۱۰۲۷۰۵	۱۵۱۴۸۳
سایر درآمدها	۸۷۲۳	۱۴۸۶۳	۲۱۳۷۳	۱۱۳۵۰	۹۲۵۴	۱۱۲۸۷	۱۱۳۶۱	۱۹۱۶۶	۴۲۷۱۳	۴۳۴۰۰
اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی)	۲۰۲۲۰	۱۷۶۵۵	۲۲۲۰۲	۲۲۴۵۱	۲۲۹۱۰	۵۳۷۶۶	۵۷۶۷۸	۶۲۹۳۰	۱۱۰۷۳۳	۱۷۶۱۴۷
اعتبارات هزینه‌ای (جاری)	۴۴۹۹۷	۵۳۸۱۹	۶۸۰۰۹	۸۵۸۶۵	۲۰۵۲۷۲	۱۴۷۵۷۲	۱۷۸۲۵۵	۲۲۱۰۹۵	۳۱۸۳۴۳	۴۰۱۳۹۰

جدول ۶: ارقام بودجه کل کشور در سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۶ (ارقام به میلیارد ریال)

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
بودجه کل کشور	۱۹۰۷۷۱	۲۳۴۱۱۶	۳۹۰۳۷۲	۳۶۴۹۰۲	۴۵۸۲۰	۶۹۸۸۶۵	۹۶۲۰۵۶	۱۰۷۵۳۳۹	۱۵۵۸۱۳۷	۱۹۰۶۸۳۷	۲۳۶۸۸۹۴
بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها	۱۱۸۴۶۶	۱۵۳۹۶۶	۱۸۳۰۱۴	۲۴۰۱۰۶	۳۰۰۰۲۶	۴۲۵۹۱۵	۵۵۳۳۳۷	۶۸۸۹۳۱	۱۰۵۵۹۶۹	۱۳۳۲۸۳۸	۱۶۷۷۰۶۵
بودجه عمومی دولت	۲۲۱۲۵	۸۰۱۳۰	۱۰۷۳۵۸	۱۳۳۹۶	۱۵۶۹۴	۲۶۲۹۵۰	۴۰۷۷۳۹	۳۸۶۰۸	۵۰۳۶۸	۶۱۴۰۰۹	۶۹۱۸۳۹
درآمد عمومی وسایر منابع	۶۵۷۲۷	۷۱۳۷۴	۱۵۲۱۴	۱۰۸۳۱۶	۱۳۲۱۸۳	۲۲۹۹۳۲	۳۶۷۳۶۱	۳۲۷۳۱۸	۴۷۰۹۰	۵۷۴۹۸۴	۶۴۳۵۲
درآمد اختصاصی	۶۴۹۸	۸۶۶۶	۱۲۱۶۶	۱۶۳۸۰	۲۳۱۱۱	۳۳۶۸۸	۴۰۴۶۸	۵۹۰۰۰	۳۱۹۷۸	۳۹۰۲۵	۵۳۳۷۷
درآمد نفت	۳۲۲۳۴	۲۰۵۳۶	۴۰۰۲۲	۵۹۲۴۸	۷۴۹۵۷	۱۱۷۰۰۲	۱۶۹۹۴۴	۲۰۵۷۸۹	۳۱۶۲۷۶	۳۶۶۴۲۶	۴۴۲۳۰
درصد وابستگی بودجه دولت به نفت	۵۲/۱	۲۸/۷	۴۲/۰	۵۲/۹	۵۶/۲	۵۹/۶	۴۶/۲	۶۳/۰	۶۷/۲	۶۵/۱	۴۴/۳



تنها حدود یک سوم درآمدهای دولت از طریق مالیات تامین شده و مابقی آن عمدتاً از طریق فروش نفت یعنی ثروت ملی تامین شده است



ارزش افزوده» ارایه شده از سوی دولت به مجلس این نسبت به نفع اقتصاد ملی و بودجه‌ی دولت افزایش مناسب یابد. به هر میزان که سهم مالیات در بودجه‌ی عمومی دولت افزایش یابد می‌توان گفت به همان میزان نیز اقتصاد ملی رو به پویایی و سالم‌سازی و فاصله‌گیری از وابستگی به درآمدهای نفتی حرکت می‌کند.

شاخص مهم دیگری که در پیوند با بودجه‌ی دولت باید به آن پرداخت نسبت هزینه‌های جاری دولت به تولید اسمی است. این شاخص برای سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۹/۴ درصد بوده است که در مقایسه با رقم ۱۸/۸ درصدی برای سال ۱۳۸۴ حاکی از افزایش است که مثبت ارزیابی نمی‌شود. شاخص نسبت مخارج جاری دولت به کل درآمدهای مالیاتی، که بعنوان شاخصی از شکل تامین مناسب مخارج جاری دولت است، نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ هزینه‌های جاری دولت ۲/۶ برابر درآمدهای مالیاتی آن بوده است که مثبت ارزیابی نمی‌شود و شرایط مطلوب برای چنین شاخصی تامین تمام مخارج جاری دولت از طریق مالیات است. در ادبیات اقتصادی برابر یک بودن این نسبت را دلیل محکمی برای سالم و پویا بودن یک اقتصاد ملی دانسته و انتظار می‌رود که هزینه‌های جاری دولت تا حد امکان از محل درآمدهای مالیاتی تامین شود، هدفی که تحقق آن در قانون برنامه‌ی چهارم پیش‌بینی و الزام‌آور شده است اما عملکرد اقتصاد کشور در سال اول و دوم اجرای این برنامه چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای را در این باره به نمایش نگذاشته است و این بحث باید با توجه به افزایش ۲۱/۷ درصدی درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال قبل و تحقق ۹۹/۱ درصدی رقم پیش‌بینی مصوب قانون بودجه‌ی این سال و رشد ۴۷/۵ درصدی مالیات در سال ۱۳۸۵ و تحقق ۸۵/۴ درصدی آن مدنظر و ملاحظه بیشتر قرار گیرد. در تحلیل عملکرد بودجه‌ی دولت، در بخش درآمدها، درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها (بدون احتساب رقم شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی) در سال ۱۳۸۵ با ۳۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۱۸۱۸۶۸ میلیارد ریال بالغ شد که سهمی برابر ۳۱/۶ درصد از کل درآمدهای دولت را به خود اختصاص داد. به عبارت بهتر در این سال تنها حدود یک سوم درآمدهای دولت از طریق مالیات تامین شده و مابقی آن عمدتاً از طریق فروش نفت یعنی ثروت ملی تامین شده است. سهم درآمدهای نفتی (شامل فروش نفت

خام، مالیات عملکرد شرکت نفت، سود سهم دولت در شرکت نفت و برداشت از حساب ذخیره ارزی) در بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۸۵ برابر ۶۵/۱ درصد بوده است. مجموع درآمدهای عمومی دولت در سال ۱۳۸۵ با در نظر گرفتن چهار متمم و یک اصلاحیه قانون بودجه این سال بالغ بر ۵۷۴۹۸۴ میلیارد ریال شده است که در مقایسه با رقم عملکرد سال ۱۳۸۴ رشدی ۲۲ درصدی را نشان می‌دهد. پرداخت هزینه‌های جاری در سال ۱۳۸۵ (بدون احتساب رقم بارانه‌ی حامل‌های انرژی) معادل ۴۱۵۷۹۳ میلیارد ریال بود که نسبت به سال قبل از ۲۵/۷ درصد رشد برخوردار بوده است.

در سال ۱۳۸۵ واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به رقم ۱۸۲۷۹۷ میلیارد ریال رسید که نسبت به سال گذشته ۲/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد. واگذاری دارایی‌های مالی نیز که شامل استفاده از منابع داخلی و خارجی است، با نزدیک به ۲ برابر افزایش نسبت به سال قبل به ۱۶۱۰۶۱ میلیارد ریال رسید. نکته‌ی بسیار قابل تامل و توجه در تحلیل بودجه‌ی دولت در سال ۱۳۸۵ این است که در این سال با استقرار کامل دولت نهم، رخداد کسری بودجه‌ی ناشی از تراز عملیاتی و سرمایه‌ای از یک سو و فشار وعده‌های هزینه‌ای داده شده از سوی دیگر باعث ارایه‌ی چهار لایحه‌ی متمم و یک اصلاحیه بودجه از سوی دولت به مجلس شد، اقدامی که در همه‌ی سال‌های پس از انقلاب و جنگ به جز سال ۱۳۸۴ و آن هم دو لایحه متمم بودجه توسط همین دولت تازه استقرار یافته، سابقه ندارد. بر پایه‌ی این اقدام با اصلاح ماده‌ی سه و جداول شماره‌ی چهار و هشت قانون برنامه‌ی چهارم توسعه ناشی از دو متمم بودجه‌ی سال ۱۳۸۴ کل کشور (مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۲۸) رقم مربوط به وجوه حاصل از فروش نفت خام در سال ۱۳۸۴ از ۱۲۸۴۹۴ به ۱۸۶۳۴۲ میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۵ با احتساب چهار لایحه متمم و یک اصلاحیه از ۱۴۰۷۳۴ به ۲۶۲۰۵۳ میلیارد ریال افزایش یافت. لازم به یادآوری است که بر پایه‌ی اصلاح قوانین بودجه‌ی دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ (جمعاً هفت لایحه متمم و اصلاحیه) هزینه‌ی ارزی دولت (ناشی از درآمد نفت و برداشت از حساب ذخیره‌ی ارزی) به رقم بی‌سابقه‌ی ۷۹ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با رقم حدود ۴۶ میلیارد دلاری دو سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳، حاکی از افزایشی برابر ۳۳ میلیارد دلار است که رقم ۴۸ میلیارد دلار آن از حساب ذخیره‌ی

مهمترین عامل افزایش پایه پولی در سال ۱۳۸۵، خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی با سهمی معادل ۵۰/۷ واحد درصد بوده که ناشی از افزایش دارایی های خارجی بانک مرکزی است

و مؤسسات دولتی نیز از سهم کاهنده ی اندکی (۰/۳ درصد) در مقایسه با سایر عوامل در کاهش رشد نقدینگی برخوردار بوده است. مهمترین عامل افزایش پایه پولی در سال ۱۳۸۵، خالص دارایی های خارجی بانک مرکزی با سهمی معادل ۵۰/۷ واحد درصد بوده که ناشی از افزایش دارایی های خارجی بانک مرکزی است. مطالبات بانک مرکزی از بانک ها نیز از سهم فزاینده ای معادل ۸/۷ واحد درصد در تغییر پایه پولی برخوردار بوده است. با انتشار اوراق مشارکت بانک مرکزی در سال ۱۳۸۵، موجودی این اوراق از ۱۰۷۶۹ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۴ به ۲۱۴۶۶ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۵ رسید که به میزان ۱۰۶۹۷ میلیارد ریال افزایش نشان می دهد که سهم کاهنده ۴/۹ درصد در رشد پایه پولی و ۵/۳ درصد در رشد نقدینگی داشته است. در نهایت برآیند مجموع عوامل موثر در تغییر پایه پولی منجر به افزایشی معادل ۲۶/۸ درصد در پایه پولی کشور گردیده است.

تغییرات عرضه ی پول، ناشی از تغییرات در پایه ی پولی (پول پر قدرت) و ضریب فزاینده ی نقدینگی است. ضریب فزاینده نقدینگی از ۴/۱۷۶ در سال ۸۴ با ۹/۹ درصد افزایش به ۴/۵۹۱ در سال ۸۵ افزایش یافت. افزایش ۹/۹ درصدی ضریب فزاینده نقدینگی در سال ۸۵ عمدتاً مربوط به کاهش نسبت ذخایر اضافی به کل سپرده ها به میزان ۴۳ درصد بوده است که به لحاظ ارتباط منفی این نسبت با رشد ضریب فزاینده، در نهایت منجر به ۰/۳۷۵۵ واحد افزایش در ضریب فزاینده شده است. کاهش نسبت اسکناس و مسکوک در دست اشخاص به کل سپرده ها نسبت به پایان سال قبل به میزان ۱۳/۶ درصد موجب افزایش در ضریب فزاینده نقدینگی به میزان ۰/۱۱۲۹ واحد و افزایش نسبت موزون سپرده های قانونی به کل سپرده ها به میزان ۲/۸ درصد موجب کاهش ضریب فزاینده به میزان ۰/۰۷۴۰ واحد شده است.

بررسی مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک ها در بخش غیر دولتی نشان می دهد که نسبت این مطالبات به کل تسهیلات اعطایی بانک ها رو به افزایش بوده و از ۱۲/۵ درصد در پایان سال ۱۳۸۴ به ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است به گونه ای که مانده مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک ها از بخش های اقتصادی غیر دولتی در پایان سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۱۳۹/۸ هزار میلیارد ریال گردیده است که نسبت به پایان سال ۱۳۸۴ (۹۰/۲ هزار میلیارد ریال)

ارزی تامین و برداشت شده است. شاخص دیگری که در انتهای این بخش می تواند به تحلیل بودجه و فعالیت های دولت کمک کند سهم مخارج عمرانی دولت از کل درآمدهای نفتی است. این شاخص در بهترین شرایط می تواند برابر یک یا بیشتر باشد، مشروط بر آن که درآمدهای نفتی به هیچ وجه در بودجه صرف هزینه های جاری نشده و پس انداز یا سرمایه گذاری شود. چنانچه این سهم بالاتر و نزدیک به یک باشد مؤید آن است که کل درآمدهای نفتی صرف ایجاد زیرساخت های اقتصاد ملی و عمران و آبادانی کشور شده است. در سال ۱۳۸۵ سهم مخارج عمرانی از درآمدهای نفتی (بدون احتساب برداشت از حساب ذخیره ی ارزی) بالغ بر ۲۶/۹ درصد و کل آن ۴۸ درصد شده است که در مقایسه با رقم مشابه سال ۱۳۸۴ بهبود را به نمایش می گذارد.

مقایسه ی عملکرد بودجه دولت در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به لحاظ رشد اعداد و ارقام بودجه با سال های قبل خود گویای تغییر روش و نگرشی است که در دولت نهم و مجلس هفتم (جناح یکدست حاکم) نسبت به اداره ی اقتصاد کشور و نقش دولت بوجود آمده است هر چند در همین دوره با ابلاغ سیاست های مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی "خصوصی سازی" هم در دستور کار دولت و مجلس قرار گرفته است!

۱۰. سیاست های پولی و اعتباری

بر پایه ی مصوبات بودجه ای در سال ۱۳۸۵ نقدینگی کشور نسبت به سال ۱۳۸۴ معادل ۳۹/۴ درصد افزایش یافت که نسبت به رشد دوره ی مشابه سال قبل (۳۴/۳) با افزایشی معادل ۵/۱ واحد درصد مواجه بوده است. بررسی عوامل موثر بر رشد نقدینگی در سال ۸۵ نشانگر این است که مطالبات از بخش غیردولتی با سهمی معادل ۳۴/۹ واحد درصد، بالاترین سهم را در رشد نقدینگی داشته است. سهم خالص دارایی های داخلی سیستم بانکی در رشد نقدینگی ۲۵/۹ درصد و سهم خالص دارایی های خارجی سیستم بانکی در رشد نقدینگی ۱۳/۵ واحد درصد بوده است. در بین عوامل تشکیل دهنده ی خالص دارایی های داخلی، خالص مطالبات از دولت عمدتاً به علت افزایش سپرده های دولتی نزد سیستم بانکی، سهمی کاهنده معادل ۳/۱ واحد درصد و خالص سایر عوامل نیز سهمی کاهنده معادل ۵/۶ واحد درصد در رشد نقدینگی داشته است. از سوی دیگر، خالص مطالبات از شرکت ها

فشار بر منابع نظام بانکی
در قالب تسهیلات تکلیفی،
برداشت از حساب ذخیره ی
ارزی برای جبران عدم
تحقق درآمدهای ریالی
دولت و یا افزایش اعتبارات
هزینه‌ای دولت، همچنین
"آسان‌گیری در مقابل
بی‌انضباطی‌های بودجه‌ای،
اصرار بانک‌ها برای
اضافه برداشت از منابع
بانک مرکزی و محدودیت
بانک مرکزی در استفاده از
ابزارهای قانونی برای
کنترل حجم نقدینگی"
از دیگر عوامل موثر بر
عملکرد پولی و مالی کشور
در دو سال اخیر بوده است

از رشد ۵۵ درصدی برخوردار بوده است. طی سال
۱۳۸۵ بخش‌های "صنعت و معدن" و "بازرگانی و
خدمات" به ترتیب با ۴۰/۲ و ۳۲/۰۶ درصد بیشترین
سهم مطالبات معوق و سررسید گذشته بانک‌ها به
بخش غیردولتی را به خود اختصاص داده‌اند. این
نسبت در بخش‌های کشاورزی با ۱۶/۸ درصد، مسکن
با ۶/۹ درصد، صادرات با ۱/۹ درصد و ساختمان با
۱/۷ درصد سهم رو به رو بوده است.

در یک ارزیابی کلی در پیوند با سیاست‌های پولی و
اعتباری انجام شده و با توجه به نرخ رشد اقتصاد ایران
در سال‌های اخیر که از روندی ثابت و نسبتاً قابل قبول
برخوردار بوده، می‌توان گفت که اقتصاد ایران همواره با
تهدیداتی در زمینه‌ی اقتصاد کلان و بویژه در زمینه‌ی
پولی و اعتباری روبه‌رو بوده است. فشار بر منابع نظام
بانکی در قالب تسهیلات تکلیفی، برداشت از حساب
ذخیره‌ی ارزی برای جبران عدم تحقق درآمدهای
ریالی دولت و یا افزایش اعتبارات هزینه‌ای دولت از
جمله این تهدیدها بوده است. همچنین "آسان‌گیری
در مقابل بی‌انضباطی‌های بودجه‌ای، اصرار بانک‌ها برای
اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی و محدودیت بانک
مرکزی در استفاده از ابزارهای قانونی برای کنترل
حجم نقدینگی" از دیگر عوامل موثر بر عملکرد پولی و
مالی کشور در دو سال اخیر بوده است. عملکرد حاصله
بویژه در دوره‌ی دولت نهم در عرصه‌ی تحولات پولی
و اعتباری نشانگر سلطه‌ی بخش مالی بر سیاست‌های
پولی، نوسانات شدید (باروند افزایشی) ضریب فزاینده
و مخاطره‌های وارد بر سیاست‌های پولی از بابت روابط
بانک مرکزی و بانک‌ها و تأثیرپذیری پایه‌ی پولی
از عملکرد بودجه‌ی دولت است. هرچند از یک‌سو
عدم استقرار دولت از بانک مرکزی پدیده‌ای مثبت
در تحولات پولی سال‌های اخیر تلقی می‌شود و بدین
ترتیب یکی از عناصر پرمخاطره در تدوین و اجرای
سیاست‌های پولی طی سال‌های اخیر تا حدودی
برطرف شده، اما با برداشت‌های بالای دولت نهم از
حساب ذخیره‌ی ارزی و خرید ارز مازاد بر فروش
توسط بانک مرکزی، جزء خالص دارایی‌های خارجی
بانک مرکزی را بعنوان یکی از اجزای مهم پایه پولی
بطور مستمر افزایش داده است. در عین حال وابستگی
زیاد منابع بودجه‌ی دولت به درآمدهای نفتی موجب
شده است که افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی،
که ناشی از مازاد عرضه نسبت به تقاضای موثر ارز در
بازار داخلی است، بالاترین سهم را در رشد سالانه‌ی

پایه پولی کشور داشته باشد.
با توجه به آنچه آمد در پیش گرفتن سیاست‌هایی
برای کنترل رشد نقدینگی و تورم که از چالش‌های
اصلی سیاست‌های پولی کشور است، توسط دولت و
مراجع تصمیم‌گیری بویژه بانک مرکزی اجتناب‌ناپذیر
می‌نماید و به‌طور مشخص "لزوم سالم‌سازی ساختار
مالی دولت و کاهش اتکای بودجه‌ی دولت به درآمدهای
نفت و رعایت انضباط مالی در سیاست‌های بودجه‌ای"،
"لزوم تبدیل ابزار نرخ سود بانکی به ابزار فعال و موثر
جهت مدیریت نقدینگی با ملاحظه‌ی قانون عملیات
بانکی بدون ربا" و "کاهش بدهی دولت به نظام بانکی"
از جمله سیاست‌هایی است که می‌تواند در این زمینه
موثر و راهگشا باشد. در عین حال دولت برای کنترل
نقدینگی باید در اداره‌ی امور و اجرا با "الزام کامل در
رعایت و پای‌بندی نسبت به بودجه‌ی تصویب شده
و عدم ارایه‌ی لوایح متمم برای برداشت از حساب
ذخیره‌ی ارزی"، "توجه به محدود بودن ظرفیت جذب
ارز در بازار بین بانکی و التزام نسبت به عدم جایگزینی
منابع ارزی سهل‌الوصول نفتی به جای درآمدهای
ریالی محقق نشده"، "تاکید بیشتر بر کارکردهای
سرمایه‌گذاری و تثبیتی و بین‌نسلی حساب ذخیره‌ی
ارزی و لزوم حفظ مازاد منابع برای تامین مالی اهداف
رشد بلند مدت اقتصادی"، "کاهش و حذف عملی
تسهیلات تکلیفی، ترجیحی و اولویت‌بندی شده
از سوی دولت به بانک‌ها جهت اعطای اعتبار به
بخش‌های اقتصادی"، "لزوم اعطای استقلال عملیاتی
و ابزار سیاست پولی به بانک مرکزی بعنوان مسؤول
سیاست‌گذار پولی کشور به منظور طراحی و اجرای
سیاست‌های پولی مناسب با هدف کنترل و مهار تورم
و ایجاد تحرک در رشد اقتصادی" و "فراهم نمودن
پیش‌زمینه‌های سیاستی - نهادی لازم برای افزایش
جذب سرمایه و منابع مالی خارجی در جهت کاهش
آسیب‌پذیری اقتصاد به درآمدهای بی‌ثبات نفتی" از
تزریق بیش از ظرفیت درآمدهای نفتی به اقتصاد
ایران بویژه برای پاسخگویی به هزینه‌های جاری و
مصرفی خودداری نماید و از این طریق با ثبات بخشی
به شاخص‌های اقتصاد کلان موجبات بهبودی فضای
کسب و کار و پیش‌بینی‌پذیر کردن آینده برای فعالان
اقتصادی را فراهم و اسباب تشویق و ترغیب هرچه
بیشتر آنان را برای مشارکت فعال در عرصه‌ی تولید و
سرمایه‌گذاری رقم زند.

جمع‌بندی

در یک جمع‌بندی خلاصه و با تکیه بر ارقام شاخص‌های کلان اقتصادی کشور می‌توان گفت که عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۵ ادامه‌ی روند سال ۱۳۸۴ و سیاست‌های جدید دولت نهم بوده است، هرچند به رغم بهره‌مندی دولت نهم از درآمد بالا و افسانه‌ای نفت این عملکرد پاسخگوی نیازها و مطالبات اقتصادی رو به افزایش جامعه، به خصوص در زمینه‌ی اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، رفع فقر و فساد و تبعیض، بهبود وضعیت معیشتی اقشار محروم و متوسط و افزایش رفاه همگانی و در یک کلام شعار عدالت محوری دولت نهم نبوده است و حتی در تامین اهداف کمی پیش‌بینی شده شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی برای سال اول و دوم اجرای قانون برنامه‌ی چهارم توسعه ناموفق بوده است. جدول ۷ تصویری از نتایج عملکرد اقتصادی دولت نهم و ارزیابی آن را در انطباق با اهداف کمی پیش‌بینی شده در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و متوسط نتایج حاصله از اجرای قانون برنامه‌ی سوم توسعه دولت اصلاح طلب خاتمی نشان می‌دهد.

روی کارآمدن دولت نهم، که در همسویی کامل فکری و سیاسی با مجلس و دیگر نهادهای حاکمیتی انجام گرفته و وعده‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار به مردم داده است از قبیل مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، بردن درآمد نفت به سر سفره‌های مردم، توسعه‌ی عدالت محور... هم‌زمان با افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی ایران، انتظارات اقتصادی و اجتماعی بسیاری را در جامعه دامن زده است که طبعاً نظام باید پاسخگوی آن‌ها باشد. رویکرد متفاوت دولت هشتم و اصلاح‌طلبان به اقتصاد و سیاست کارنامه‌ای از خود در هشت سال ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ به جای گذاشته است که خود مبنای مقایسه‌ای برای

عملکرد دولت نهم و جریان همسویی از نیمه‌ی دوم سال ۱۳۸۴ به این سو خواهد بود، بویژه آن‌که همه‌ی افراد و گروه‌های درون جناح حاکم فعلی از منتقدان سرسخت عملکرد اقتصادی و اجتماعی دولت خاتمی و اصلاح‌طلبان در آن دوره بوده‌اند و حال خود باید پاسخگوی شعارها، وعده‌ها و عملکردشان در این دوران باشند.

جدول ۸ تصویری مقایسه‌ای از شاخص‌های کلان اقتصادی دهه‌ی اول و مقاطع اجرای برنامه‌های توسعه‌ی اول تا کنون را نشان می‌دهد که با توجه بدان می‌توان به ارزیابی کلی از عملکرد اقتصادی کشور و دولت‌های پس از انقلاب و روند حرکت شاخص‌های کلان اقتصادی به صورت مقایسه‌ای و در پیوندی متقابل با یکدیگر پرداخت.

در پایان باید یادآور شوم که اقتصاد ایران همچنان با چالش‌هایی از قبیل: عدم تناسب نرخ رشد اقتصادی با شرایط و مطالبات جامعه، بالا بودن نرخ بیکاری و کسش‌ناپذیری بخش تولید، سطح پایین بهره‌وری عوامل تولید و بهره‌وری کل، وابستگی بودجه‌ی دولت به درآمد نفت و نوسانات بازار نفت، بالا بودن اندازه‌ی دولت و چسبندگی هزینه‌های جاری دولت، درصد تحقق پایین بودجه‌ی عمرانی، رشد تعهدات خارجی بطور اعم و بدهی‌های کوتاه‌مدت قطعی بطور اخص، منفی شدن وضعیت بازار ارزی بانک‌ها و کاهش تقاضای میان‌مدت ارز در بازار بین بانکی، فقدان اعتماد و اطمینان لازم برای مشارکت فعالانه‌ی بخش غیردولتی و ناچیز بودن حجم صادرات غیرنفتی در مقایسه با حجم فعالیت‌های اقتصادی، عدم اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی و عملیاتی کردن سیاست‌های ابلاغی مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی، شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه‌ی درآمد و وجود فقر و محرومیت

جدول ۷: ارزیابی شاخص‌های کلان برنامه‌ی چهارم توسعه در انطباق با عملکرد اقتصادی دولت

شاخص (درصد)	متوسط عملکرد سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۳ (برنامه سوم)	متوسط سال‌های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۸ (برنامه چهارم)	پیش‌بینی ۱۳۸۴	عملکرد ۱۳۸۴	پیش‌بینی ۱۳۸۵	عملکرد ۱۳۸۵	ارزیابی عملکرد
رشد تولید ناخالص داخلی	۴۶/۵	۸	۵/۶	۴/۵	۴/۷	۳/۵	منفی
رشد سرمایه‌گذاری	۱۱	۲/۱۲	۳/۱۱	۸/۵	۱۱	۴/۵	منفی
رشد نقدینگی	۹/۲۸	۲۰	۲۴	۲/۲۴	۲۲	۴/۳۹	منفی
تورم	۱/۱۴	۹/۹	۶/۱۴	۱/۱۲	۵/۱۱	۶/۱۲	منفی
رشد صادرات غیر نفتی	۲/۱۶	۲۰	۷/۱۰	۵/۲۸	۷/۱۰	۴۷	مثبت
رشد بودجه عمومی دولت	۳۱	۹/۱۰	-۱/۰	۵/۲۴	۹/۱۲	۶/۲۵	منفی
رشد بودجه دولت از نفت	۲۹	۴/۳	۶/۳	۷۴	۳/۲	۱۵/۸	منفی
کاهش کارکنان دولت	؟	۱	۱	؟	۱	؟	؟

به طور مشخص
"لزوم سالم‌سازی ساختار
مالی دولت و کاهش
اتکای بودجه‌ی دولت به
درآمدهای نفت و رعایت
انضباط مالی در
سیاست‌های بودجه‌ای"،
"لزوم تبدیل
بازار نرخ سود بانکی به
بازار فعال و موثر
جهت مدیریت نقدینگی
با ملاحظه قانون
عملیات بانکی بدون ربا"
و "کاهش بدهی دولت به
نظام بانکی" از جمله
سیاست‌هایی است که
می‌تواند در این زمینه
موثر و راهگشا باشد

رنج‌آور در دو دهک جمعیتی کشور و... مواجهه است که درباره‌ی آن‌ها باید چاره‌اندیشی و سیاست‌گذاری شود. سند چشم‌انداز توسعه‌ی بیست‌ساله‌ی کشور و قانون برنامه‌ی چهارم توسعه با توجه به این شرایط و واقعیات تدوین و تصویب شده و باید راهنمای عمل قوای حاکم در سال‌های پیش رو برای اداره امور کشور باشد، اما عملکرد دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ اقتصاد کشور و دولت نهم و دیگر نهادهای حاکم حرکت در این چارچوب و مسیر را به نمایش نمی‌گذارد و نگرانی این است که با فاصله‌گیری از اجرای این‌ها باز هم از گام‌زنی جمهوری اسلامی ایران در راه توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و دستیابی به جایگاه هدف‌گذاری شده در سند چشم‌انداز یعنی قدرت اقتصادی برتر منطقه در افق سال ۱۴۰۴ بازمانده و حتی در مقایسه با روند توسعه اقتصادی و اجتماعی برخی کشورهای همسایه ناکام مانیم.

جدول ۸: مقایسه‌ی شاخص‌های کلان اقتصادی دهه‌ی اول و مقاطع برنامه‌های توسعه

شاخص	متوسط درآمد نفی (میلیارد دلار)	نرخ متوسط سالانه رشد اقتصادی (درصد)	نرخ متوسط سالانه سرمایه‌گذاری (درصد)	نرخ متوسط سالانه رشد نقدینگی (درصد)	نرخ متوسط سالانه رشد تورم (درصد)	نسبت هزینه دهک ثروتمند در به دهک فقیر مناطق شهری	نسبت هزینه دهک ثروتمند به دهک فقیر در مناطق روستایی	دوره (سال)
۱۳۵۷ - ۱۳۶۷ (دهه اول)	۶/۱۴	-۱	-۸	۵/۴۴	۹/۱۸	۴/۱۵	۳/۲۱	
۱۳۶۸ - ۱۳۷۲ (برنامه اول)	۵/۱۵	۴/۷	۳/۱۳	۱/۲۵	۹/۱۸	۷/۱۸	۱/۲۶	
۱۳۷۳	۶/۱۴	۵/۱	-۲/۱۴	۸/۲۵	۲/۳۵	۵/۱۴	۸/۲۲	
۱۳۷۴ - ۱۳۷۸ (برنامه دوم)	۴/۱۵	۹/۳	۵/۲	۵/۲۵	۶/۲۵	۶/۱۴	۶/۲۱	
۱۳۷۹ - ۱۳۸۳ (برنامه سوم)	۱/۲۶	۴/۵	۱۱	۹/۲۸	۱/۱۴	۲/۱۴	۷/۱۸	
۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ (دو سال اول برنامه چهارم)	۲/۵۵	۳۵/۵	۶/۵	۸۵/۳۶	۹/۱۲			